

The Need-Rights Model in Dealing with Sexual Abuse of Children and Adolescents with the Criminal-Participatory Policy Approach

Nafiseh Bagheri¹, Shadi Azimzadeh^{2*}, Nasrin Mahra³, Mohammadali Mahdavi Sabet⁴

1. PhD Student in Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Theology and Political Science, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Law and Political Science, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

3. Associate Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

4. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Theology and Political Science, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.



Article Type:

Original Research

Pages: 179-232

Received: 2023 September 30

Revised: 2023 December 10

Accepted: 2024 January 22



Abstract

Children's rights have become increasingly significant in recent years, to the point where doing so is necessary to promote both their intellectual growth and emotional health. The most vulnerable members of society are always the young, and protecting their rights, interests, and dignity from public anger surely requires additional support from parents and institutions in charge of developing regulations. New anomalies have also emerged as social interactions have changed, and both their occurrence and importance have changed. Features for the implementation of restorative justice programs in cases of sexual violence in Iran's judicial discourse are evaluated on the basis of the research's empirical findings. The reaction to sexual crimes has changed in line with the components of criminal-participatory policy in most legal systems, which is given the criminal justice system's limited ability to satisfy the demands of these victims. Empirical research show that the official judicial systems' legislative rhetoric is insufficient to effectively safeguard children who have been sexually abused. The creation and distribution of 100 questionnaires to social workers, families with minor children, and people under 18 revealed that restorative justice's requirements are met by a victim-centered approach to the needs and interests of victims of sexual assault. This study's findings are descriptive-analytical in terms of its kind, level of excellence, and methodology. They concurred in certain situations (lack of active force in this field, absence of formation of specific institutions needed by law), which resulted in the non-implementation of restorative justice, although having differing viewpoints on the consequences.

Keywords: Sexual Victimization, Restorative Justice, Children and Teenagers, Criminal-Participatory Policy, Desirable Model

* Corresponding Author: azimzadehshadi@gmail.com

مدل نیاز-حقوق در رویارویی بازه دیدگی جنسی کودکان و نوجوانان با رویکرد سیاست جنایی مشارکتی

نویسنده: باقری^۱، شادی عظیم زاده^{۲*}، نسرین مهرا^۳، محمدعلی مهدوی ثابت^۴

۱. دانشجوی دکترای حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. استادیار، گروه حقوق، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۳. دانشیار گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

۴. استادیار گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.



نوع مقاله: علمی پژوهشی

صفحات: ۲۳۲-۱۷۹

چکیده

امروزه موضوعات مربوط به حقوق کودک و نوجوان و لزوم توجه به آن، وسعت بیشتری یافته است؛ به نوعی احترام به حقوق آنان اندیشه‌ای اساسی در مساعدت همه‌جانبه برای رشد فکری و سلامت روحی آن‌ها محسوب می‌شود. جوانان همواره آسیب‌پذیرترین قشر جامعه‌اند و بی‌شک نیازمند حمایت بیشتری در جهت حفظ کرامت، حقوق و مصالح خود از سوی والدین و نهادهای سیاست‌گذاری در مقابل کج‌روی‌های اجتماعی هستند. درحالی‌که با تغییر مناسبات اجتماعی، اشکال جدیدی از ناهنجاری‌ها پدید آمده، میزان رواج و مفهوم آن‌ها نیز تغییر یافته است. این پژوهش واجد ویژگی‌هایی برای کاربست برنامه‌های عدالت ترمیمی در پرونده‌های خشونت جنسی درگفتمان قضایی ایران است که مبتنی بر یافته‌های تجربی به بحث گذاشته می‌شود.

به‌گواهی مطالعات تجربی، تلاش گفتمان‌تقنینی در بستر سازوکارهای رسمی عدالت برای حمایت مؤثر از جوانان بزه‌دیده جنسی، به‌تنهایی کافی نیست؛ زیرا نظام عدالت کیفری ظرفیت‌های محدودی برای تأمین نیازهای بزه‌دیدگان دارد؛ همین امر منجر به دگرگونی قابل‌فهمی در پاسخ به جرائم جنسی منطبق با مؤلفه‌های سیاست جنایی مشارکتی در بیشتر نظام‌های حقوقی شده است.

نتیجه این پژوهش از نظر نوع کیفی و روش آن، توصیفی-تحلیلی است و در آن با به‌کارگیری رایج‌ترین ابزارهای گردآوری اطلاعات؛ تهیه و توزیع ۱۰۰ پرسش‌نامه (میان مددکاران اجتماعی، خانواده‌های دارای فرزند زیر ۱۸ سال و افراد زیر ۱۸ سال) نشان می‌دهد که رویکرد بزه‌دیده‌محور به منافع و مطالبات بزه‌دیدگان خشونت جنسی، همسوبا اقتضات عدالت ترمیمی است.



تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده است.

واژگان کلیدی: بزه دیدگی جنسی، عدالت ترمیمی، کودکان و نوجوانان، سیاست جنایی مشارکتی،

مدل مطلوب

* نویسنده مسئول: azimzadehshadi@gmail.com

. در این مقاله، کلمه جوان در معنای کودک و نوجوان به کار رفته است که منظور همان افراد زیر ۱۸ سال است.

درآمد

با وجود گستره قلمرو موضوعات مربوط به حقوق کودکان و نوجوانان در راستای حمایت از کرامت و مصالح آن‌ها، همواره آسیب‌ها و جرائم جدیدی ایشان را تهدید می‌نماید. بزه‌دیده‌شناسان از میان انواع مختلف خشونت، اذیت و آزار جنسی را نگران‌کننده‌ترین کنشگری ضداجتماعی نسبت به نوجوانان می‌دانند که تأثیر مخربی بر عواطف انسانی می‌گذارد. (فصیح رامندی، ۱۳۹۷: ۲۳۰) با مذاقه دراصل ۴ قانون اساسی و تصریح آن بر انطباق کلیه قوانین و مقررات جزائی و موازین اسلامی، نظام عدالت کیفری ایران بر پایه فقه جزایی امامیه، سیاست‌های کیفری ویژه‌ای را درباره جرم‌انگاری خشونت جنسی در معنای عام آن اتخاذ کرده که در موارد متعددی نسبت به جوانان نیز قابل‌تعمیم است. البته این تعمیم، همه‌جانبه و کامل نیست؛ قوانین ایران از نظر یافته‌های جرم‌شناختی و بزه‌دیده‌شناسی و اسناد بین‌المللی، نسبت به حقوق کودک، به‌ویژه در بحث خشونت‌های جنسی، خلأهای مشهودی دارد که تنها با مطالعه تطبیقی اسناد و قوانین و مقررات داخلی شناسایی می‌شوند تا بتوان در جهت حمایت بیشتر از افراد زیر ۱۸ سال راهکار اصلاحی ارائه داد.

هرچند نهادهای چون اورژانس اجتماعی با شماره تماس فوری ۱۲۳ در دسترس شهروندان است، اما باید در راستای بهبود سازوکارهای این نهاد اقدام کرد تا از آن بازویی مؤثر جهت گزارش دهی خشونت‌های جنسی علیه افراد زیر ۱۸ سال به نظام عدالت کیفری ساخت. بی‌تردید برای توسعه سیاست جنایی افتراقی به نحو مشارکتی که در آن همگام با متصدیان عدالت کیفری، نهادهای مدنی نیز نقش ایفا می‌کنند؛ خانواده، مدرسه و سازمان‌های مردم‌نهاد هم تأثیرگذارند. راه‌اندازی شورای عالی جوانان، ضرورتی حائز اهمیت در الگوی موردنظر است.

مداخله همه‌جانبه برای رفع مشکلات افراد زیر ۱۸ سال، ازجمله معلولین یا جوانان کار، جوانان خیابانی و دارای خانواده‌های فقیر یا بدسرپرست که دارای نیازهای

ویژه‌ای هستند، یکی دیگر از اولویت‌های این حوزه است که نیازمند منابع مالی و نیروی متخصص و کارآمد است. البته بسیاری از این مداخلات، اکنون از سوی بهزیستی انجام می‌شود؛ اما اگر همه اقدامات در قالب یک بسته خدمتی با رویکرد فعال برای جوانان، به‌خصوص سه دهک پایین جامعه و گروه‌های محروم انجام شود، کسی از آن بی‌بهره نخواهد ماند. ارتقای سلامت اجتماعی افراد زیر ۱۸ سال و تجمیع خدمات اجتماعی، مصوبه شورای اجتماعی است که هم‌اکنون به‌صورت پایلوت در اسلامشهر انجام می‌شود. در راستای ارائه مدل مطلوب، بررسی قانون حمایت از اطفال و نوجوانان ۱۳۹۹ و پرداختن به چالش‌های وارد بر آن، ضروری است. در این مدل تقنینی، هدف آن است که با ارائه سازوکاری مقابله‌ای، نه‌تنها بازدارندگی از این پدیده ضداجتماعی را توسعه داد، بلکه با بالا بردن سطح فرهنگ از طریق آموزه‌های اجتماعی، وقوع آن را به حداقل رساند. آموزش خانواده‌ها، مدیران و مسئولان مراکز تحصیلی و مراکزی که از جوانان نگهداری می‌کنند در شناسایی به‌موقع موارد کودک‌آزاری، اهمیت دارد. شناسایی موارد و اطلاع‌رسانی به مراکز مربوط به مداخلات اجتماعی، در کاهش آسیب‌ها بسیار مؤثر خواهد بود.

بیان مسئله پژوهش

تعریف بزه‌دیدگی جنسی^۱ ساده نیست؛ زیرا کنشگری ضداجتماعی علیه جوانان، متناسب با فرهنگ، خانواده و ظرفیت‌های اجتماعی تفاوت می‌کند. اما با وجود این پیچیدگی‌های فرهنگی، بزه‌دیدگی جنسی، درگیرکردن جوانان در فعالیت جنسی است که غالباً هیچ‌گونه درک و نقشی در آن نداشته‌اند. بنابراین هر نوع سوءاستفاده از افراد زیر ۱۸ سال، به‌منظور لذت جنسی که متضمن آسیب‌دیدگی جسمی، جنسی و روانی برای ایشان باشد، در مفهوم این نوع بزه‌دیدگی تعریف می‌شود. (مقتدایی، ۱۳۹۵: ۲۷-۲۶)

کودک‌آزاری جنسی، معمولاً دارای پنج شاخصه و ویژگی اصلی است:

۱. کودک عموماً آن را دوست ندارد. ۲. ارضای جنسی فرد آزاردهنده، هدف اصلی آزار است. ۳. در این رابطه، اختلاف سن و قدرت به اندازه‌ای است که رضایت معنادار از رابطه را مخدوش می‌سازد. ۴. فعالیت جنسی، معمولاً پنهانی و با نقشة قبلی و اعمال زور از جانب فرد قدرتمند صورت می‌گیرد. ۵. گاهی کودک به خاطر نیاز شدید به توجه و حمایت فیزیکی یا عاطفی، شخصاً به پذیرش و شروع یا حفظ رابطه جنسی، تمایل نشان می‌دهد. (قنبرنیا، ۱۳۸۹: ۸۲)

تجربه خشونت و بزه‌دیدگی جنسی در جوانان، تجربه‌ای مؤثر در زندگی اجتماعی ایشان است که حتی می‌تواند آنان را از بزه‌دیدگان آسیب‌دیده، به بزهکارانی خطرناک، مملو از عقده‌های حقارت و اختلالات روانی تبدیل کند. جوان بزه‌دیده جنسی که تحت عنوان «کودک در معرض خطر»^۱ از او یاد می‌شود، با دو خطر مواجه است؛ خطر اول تکرار بزه‌دیدگی و خطر دوم تبدیل شدن به بزهکار پیش‌رس.^۲

در جرائم علیه جوانان، ویژگی‌های جسمانی ایشان، چه در مرحله گزینش بزه‌دیده و چه در مرحله تداوم کنشگری ضداجتماعی علیه ایشان، نقش مهمی ایفا می‌کند. بزه‌دیدگی مستلزم نابرابری در وضعیت فیزیکی و قدرت است. در این فرایند، «بزهکار یا قربانی‌کننده» قوی و «بزه‌دیده یا قربانی‌شونده» ضعیف جلوه می‌نمایند. بنابراین بزه‌دیدگی نوعی رویارویی ناهمسان است که در آن، یک طرف با غلبه بر طرف دیگر، به او آسیب می‌رساند. آزار جنسی برخلاف انواع دیگر کودک‌آزاری، فقط غلبه فیزیکی نیست؛ بلکه سوءاستفاده از اعتماد کودک یا نوجوان نسبت به کسی است که او را خطرناک قلمداد نمی‌کرده است؛ همین رفتار توأم با سوءاستفاده، آسیب‌های جبران‌ناپذیری به قربانی وارد می‌کند. (عابدگنجی، ۱۳۹۰: ۱۰)

وقوع جرائم علیه اطفال و نوجوانان، به‌خصوص سوءاستفاده جنسی از

1. danger-prone child

2. Precocious delinquent

کودکان (CSA) موجب درگیر شدن طیف وسیعی از افراد (از خانواده گرفته تا مقامات قضایی رسیدگی‌کننده) در اتخاذ تصمیمات حیاتی خواهد شد. آیا باید شکایت کرد؟ آیا مدعی‌العموم باید کیفرخواست صادر کند؟ آیا پرونده باید یک فرایند ترمیمی را طی کند؟ فرد زیر ۱۸ سال چگونه باید در این فرایند شرکت کند؟ به عنوان شاهد و ناظر فرایند یا به عنوان یک ذی‌نفع فعال؟ و اگر به عنوان شاهد، چه نوع اقدامات و تدابیری باید برای رسیدگی به مسائل آسیب‌پذیری یا امنیت بزه‌دیده انجام شود؟ سرانجام، نتیجه مناسب چنین پرونده‌ای با فرض اثبات جرم با رعایت حقوق قضایی متهم چگونه خواهد بود؟ در صورت وجود مقرراتی که حق کسب اطلاع یا مشارکت را اعطا می‌کند، عموماً تصمیم‌گیری برای بزه‌دیدگان زیر ۱۸ سال توسط والدین، مددکاران اجتماعی، پلیس، دادستان و دادگاه خواهد بود. دلایل این رویکرد عبارت است از: جلوگیری از بزه‌دیدگی ثانویه در اثر تجربیات ناخوشایند احتمالی در جریان فرایند رسیدگی؛ وجود فرضیه حاکم بر اندیشه عوام، مبنی بر لزوم حصول «بهترین منافع و مصالح جوان» توسط والدین یا سرپرستان قانونی او؛ نبود نیروهای آموزش‌دیده یا بی‌تجربگی نیروها در برخورد با افراد زیر ۱۸ سال و جلوگیری از اطالة دادرسی.

کمبود نیروهای آموزش‌دیده معضلی است که نمود آن در نظام حقوقی ایران با وجود تصریح قانون‌گذار در قوانین کیفری، همچنان پابرجاست و نهاد پلیس ویژه اطفال در قالب یک تیتروارکنار خلأهای دیگر سیستم نظام عدالت کیفری به چشم می‌خورد. براساس نتایج پژوهش‌هایی که در راستای ارائه مدل مطلوب عدالت ترمیمی جوانان بزه‌دیده جنسی زیر ۱۸ سال صورت گرفته، در این زمینه خلأهایی از این دست وجود دارد: نبود و یا کمبود نیروهای کارآزموده؛ فقدان آموزش‌های لازم برای نهادهای حمایتی؛ نبود تعلیمات مقتضی فرزندپروری به خانواده‌ها، بی‌توجهی به نیازهای جوانان، موفق نبودن نهاد آموزش و پرورش در عملکرد آموزشی، بی‌اعتمادی به نهاد پلیس و دستگاه قضا در شنیدن صدای بزه‌دیدگان و جدی گرفته نشدن خواسته‌های

آن‌ها در کنار سیاست بزه‌پوشی نظام عدالت کیفری؛ وجود عرف جاف‌تاده ذهنی مبنی بر سکوت در مقابل بزه رخ داده، به‌ویژه در CSA؛ ترس از بیان و قضاوت شدن و.... (باقری، ۱۴۰۲)

گرایش و رویکرد دوگانه سیستم عدالت کیفری و متخصصین امر در اعطای حد مشارکت جوانان در روند دادخواهی در مقابل انتظارات آن‌ها از سیستم قضایی، موجب ایجاد فاصله و اختلاف میان خواسته‌ها و آنچه دریافت می‌دارند می‌شود. (Bijleveld van, Etal & ۲۰۱۵)

ضعف سیاست جنایی افتراقی در ایران جهت حمایت از جوانان آسیب دیده از جرائم جنسی، به‌خصوص با توجه به ضعف سازوکارهای پیشگیرانه اجتماعی که در آن، نهادهای مدنی نقش مؤثر را بر عهده می‌گیرند، موجب می‌شود که واکاوی سازوکارهای موجود و تلاش برای دستیابی به الگویی که چنین ضعف‌هایی را با نوآوری تقنینی جبران می‌کند، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر باشد. ضعف اطلاع‌رسانی در جامعه ایرانی و قبیح شمردن اعمال جنسی علیه افراد زیر ۱۸ سال، فضایی ساخته که در نتیجه آن، عدالت کیفری رویکردی ویژه برای تقنین مقررات خاص نداشته است. باوجود این، صرف جرم‌انگاری در این زمینه کافی نیست؛ بلکه باید با سیاست جنایی افتراقی که مستلزم ارائه برنامه‌های کنشی و واکنشی است، برای توسعه بازدارندگی کوشید. در این راستا ارتقای سطح برنامه‌های پیشگیری اجتماعی، مؤثرتر از سازوکارهای واکنشی تنبیهی خواهد بود.

سیاست جنایی افتراقی، مستلزم دادرسی ویژه قربانیان خشونت‌های جنسی زیر ۱۸ سال و مقامات متخصص در آن است تا با تشکیل پرونده شناسایی شخصیت و در نظر گرفتن ضمانت اجرا و مصونیت لازم برای مقامات تعقیب در احقاق حقوق جوانان مؤثر واقع شود. (هدایت و هدایت، ۱۳۹۷) همچنین در حمایت از بزه دیده، نباید از نقش پلیس جوانان، غافل ماند. این پلیس نباید تنها نقش کشف جرم را داشته باشد؛ بلکه باید ضمن حمایتگری از بزه دیده، در صورت وقوع جرم، از مجوز اقدام بهره‌مند باشد. هرچند

در ماده ۳۱ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ به لزوم تشکیل این نهاد اشاره شده، ولی آنچه کمتر بدان توجه شده، نقش پلیس آموزش دیده از جنبه حمایتی و نظارت بر اجرای صحیح، هنگام مواجهه با مرتکبان جرائم علیه جوان است.

گال^۱ در کتاب جوانان بزه‌دیده جنسی و عدالت ترمیمی: یک مدل نیاز-حقوق می‌گوید، در به‌کارگیری فرایندهای عدالت ترمیمی نسبت به افراد زیر ۱۸ سال، نباید از الگوها و روندهای موجود که برای بزرگسالان تدوین شده، استفاده کرد؛ درواقع باید با توجه به نیازهای این گروه آسیب‌پذیر، الگویی برای حمایت از آن‌ها ساخت. چنین الگویی به‌خوبی نشان خواهد داد که چگونه حقوق جوانان در سیستم قانونی تعریف و اجرا می‌شود. اما درحالی‌که آن‌ها مانند هر شخص دیگری از حقوق اولیه انسانی برخوردارند، اما استفاده از این حقوق همیشگی نیست. قدرت اعمال حقوق افراد زیر ۱۸ سال در دست والدین آن‌هاست و در شرایط خاص، دولت به‌عنوان والدین وارد عمل می‌شود. اینکه والدین یا دولت و نهادهای وابسته، به نمایندگی از جوانان اقدام کنند، این سؤال را ایجاد می‌کند که آیا آن‌ها واقعاً به نفع کودک عمل می‌کنند؟ (Dobkins, ۲۰۱۳: ۱۵۴-۱۵۶)

از آنجاکه جوانان آینده‌سازان یک جامعه هستند، حق دارند از حمایت بیشتری در سیستم حقوقی برخوردار شوند. با این حال، این حمایت اضافی خطر نقض حقوق کودکان را به‌همراه دارد. نگرانی درباره نقض بالقوه حقوق کودکان به نام حمایت از آن‌ها، منجر به ظهور عدالت ترمیمی شد که اواسط دهه ۱۹۹۰ به‌عنوان فرایند جایگزین یا تکمیل‌کننده در سیستم عدالت کیفری محبوبیت پیدا کرد. گال می‌گوید، این مدل نیاز-حقوق و لفاظی‌های حقوق فعلی، هم به لحاظ ساختاری به کودکان قدرت بخشیده و هم روابط را تقویت می‌کند. او توصیه می‌کند: «برای شناسایی و احترام به حقوق جوانان، آموزش افراد زیر ۱۸ سال و بزرگسالان، لازم و ضروری است.» (Gal, ۲۰۱۱: ۱۳)

مدل نیاز-حقوق نه‌تنها به جوانان بزه‌دیده جنسی در طول فرایند کیفری

1. Tali GaL

کمک می‌کند، بلکه همچنان از طریق توان بخشی به حمایت خود از بزه‌دیدگان ادامه می‌دهد؛ زیرا با مشاهده تجربیات موفق کشورهای مختلف و با بررسی حقوق، نیازها، حضور در سیستم عدالت کیفری و اجرای عدالت ترمیمی برای افراد زیر ۱۸ سال بزه‌دیده جنسی تنظیم شده است. (al Et & Evans, ۲۰۱۲)

درواقع براساس مدلی که گال ارائه می‌دهد می‌توان گفت، حقوق و نیاز نه تنها در مقابل یکدیگر قرار نگرفته‌اند، بلکه در یک راستا هستند و مکمل یکدیگرند. مدل نیاز-حقوق با درک ناتوانی جوانان و وابستگی یا اتکای آن‌ها به والدین، در راستای کاهش نابرابری قدرت، گام نهاده است. یکی از اقدامات عدالت ترمیمی، بهره‌گیری از مددکاران اجتماعی آموزش دیده در برخورد با بزه‌دیدگان است. زیرا پیوند و ایجاد ارتباط بین فردی برای اعتمادسازی، آغازگفت‌وگو با بزه‌دیده، اطمینان خاطر پیدا کردن و اعتماد برای بیان جزئیات آنچه رخ داده، مستلزم ایجاد حس هم‌دردی و آشناپنداری با مددکاران اجتماعی فعال، به‌ویژه در حوزه CSA است که برای قربانیان اهمیت دارد. درنتیجه جابه‌جایی یا تغییر مددکاران اجتماعی در طول فرایند ترمیمی، مانع ایجاد پیوند ارتباطی روانی برای آسودگی خیال بزه‌دیده می‌شود.

حضور مددکار اجتماعی آموزش دیده در جریان فرایند، چه در تحقیقات اولیه و چه در طول روند رسیدگی لازم و ضروری است و حتی نظرات و گزارش‌های ارسالی مددکار در جهت تضمین منافع و مصالح عالیه بزه‌دیدگان بی‌تأثیر در اتخاذ تصمیم‌گیری نهاد رسیدگی‌کننده نخواهد بود. همچنین از دیگر وظایف مددکاران اجتماعی بعد از اتمام فرایند رسیدگی، نظارت و اعلام گزارش مبنی بر درستی اعمال دستورات، دریافت خدمات، اجرای صحیح برنامه‌ها، وضعیت بزه‌دیده در خانواده و شرایط اجتماعی اوست. فلذا برای مطلوبیت یک فرایند ترمیمی که حضور مددکاران رکن اساسی آن است، رسیدگی به این خواسته برای بزه‌دیدگان حائز اهمیت است.

به این ترتیب بزه‌دیده می‌تواند نیازش را به مددکار بگوید و خواسته خود را مطرح

کند. در مجموع، وجود مددکاران اجتماعی از بزه‌دیدگی ثانویه و بروز تجربیات منفی در طول فرایند رسیدگی می‌کاهد. بررسی پرونده‌های مطروحه در استرالیا (Bessell, ۲۰۱۱) و بریتانیا (al Et & Cossar, ۲۰۱۶: ۱۰۵) نشان می‌دهد که اهمیت پیوند مددکاران و بزه‌دیدگان، یکی از مهم‌ترین دغدغه‌هاست؛ زیرا شکل نگرفتن رابطه قابل اعتماد با مددکاران اجتماعی، مانع بزرگی در روند مشارکت نشست‌های ترمیمی-حمایتی به بار خواهد آورد. همچنین ناپایبندی نظام حقوقی به تعهدات یا اصول مصوب خود، از دیگر موارد مهم در سلب اعتماد به سیستم دادرسی است.

احساس قربانی بودن همیشگی و فقدان حقی برای فریادرسی، مهم‌ترین عواملی هستند که باعث تکرار بزه‌دیدگی و کتمان جرم رخ داده می‌شوند. در نتیجه احساسی مبنی بر بازیچه قرار گرفتن در جوان بزه‌دیده ریشه می‌گیرد و متعاقباً نمی‌توان انتظار همکاری او را داشت. بزه‌دیدگان جوان در کنار خواسته‌هایشان، انتظار روندی منصفانه را از نهاد رسیدگی‌کننده دارند تا برخوردی مشابه آنچه با بزرگسالان می‌شود (با رعایت احترام و تصمیم‌گیری بی‌طرفانه) در حق آن‌ها نیز اجرا شود. (Lawrence & Hicks, ۱۹۹۳: ۱۶۳) منظور از محترم شمردن جوانان، رای ابلاغ رسمی برای حضور یافتن در جلسات رسیدگی است. لذا جوانان با حق مشارکت، بر این امر اذعان داشتند که حضور آن‌ها در روند رسیدگی صرفاً نمادین یا به صورت حداقلی بوده است (Paré, ۲۰۱۵) که خود دلیلی برای ایجاد حس بی‌اعتمادی به سیستم قضایی شده است.

همان‌گونه که نظام‌های حقوقی در روند رسیدگی خود، مشارکت جوانان را کاهش می‌دهند، تحقیقات نیز اغلب حاکی از جمع‌آوری غیرمستقیم مستندات مانند پرسش‌نامه‌های قاعده‌مند مبتنی بر فروض هنجاری حاکم بر دوران کودکی (Lawrence, ۲۰۰۳)، مصاحبه با والدین، متخصصین یا افراد بزرگسال و دریافت تجربیات دوران کودکی و نوجوانی است؛ هرچند داده‌های به دست آمده گویای مداخله افراد زیر ۱۸ سال در مقام شاهدند و عمدتاً بر چگونگی بهبود اظهارات آن‌ها در مقام شهود متمرکز بوده‌اند.

(al Et & Burton, ۲۰۰۶: ۲۳۲)

به هر حال نباید از ارزش نگرش و بینش ارائه شده در زمینه مشارکت این قشر از جامعه، حتی در مقام شاهد به راحتی گذر کرد. سال ۱۹۹۲ جین مورگان^۱ و لوسیا زدنر^۲ با استفاده از جمع آوری اطلاعات به شیوه مصاحبه با صدها جوان بزه دیده، شاهدان جرائم یا قربانیان غیرمستقیم، به جمع آوری تجارب این قشر و رای نقش شهود پرداخته اند و طیفی از پیامدهای روانی و اجتماعی را بررسی کرده اند. به نظر می رسد که احساساتی چون ترس، گناه، تنهایی و پریشانی، وجه مشترک میان همه بزه دیدگان بوده است. (ZEDNER & MORGAN, ۱۹۹۲)

در میان گذاشتن آنچه رخ داده با والدین یا یک عضو حامی از خانواده، سازوکار اصلی مقابله ای جوانان با جرم رخ داده است. با این حال تعداد کثیری از بزه دیدگان نیاز به دریافت حمایت های حرفه ای خارج از حیطه خانواده را عنوان کرده اند. با وجود دشواری پژوهش درباره درک جوانان از عدالت و خواسته هایشان از سیستم قضایی، آنچه واضح و مبرهن است، حصول اطمینان از سلامت و تضمین امنیت در انجام اقدامات مورد نظر و مشارکت فعال آن هاست و آنچه از ترجیحات جوانان متناسب با برداشت آن ها از عدالت و تصمیم اتخاذی می توان بیان داشت عبارت است از: درک آن ها در اجرای فرایند عادلانه، عادلانه بودن روند، اجرای عدالت بین فردی^۳ و دریافت حمایت های مبتنی بر انتظارات و خواسته های ایشان. (Cit. Op) این مدل به جای در نظر گرفتن جوانان بزه دیده به عنوان موضوعی برای حمایت، سعی بر ارائه مدلی مبتنی بر حقوق بزه دیدگان جرائم جنسی زیر ۱۸ سال دارد.

1. Jane Morgan

2. Lucia Zedner

۳. عدالت بین فردی: این نوع عدالت به شأن و منزلتی که افراد از مجریان قانون و رسیدگی کنندگان فرایند عدالت کيفری دریافت می کنند مربوط است. در واقع آنچه اطفال و نوجوانان بزه دیده انتظار دارند، برابری در رفتار توأم با احترام در مقایسه با بزه دیدگان بزرگسال می باشد. (Colquitt, ۲۰۰۱)

اهمیت و ضرورت پژوهش

با وجود رشد جرائم جنسی و نرخ بالای بزه‌دیدگی‌های جنسی علیه جوانان، این جرائم همواره کمترین میزان افشا و پیگیری قضایی را داشته‌اند. کاستی‌های نظام عدالت کیفری در تعقیب چنین جرائمی، نیاز به برنامه‌های RJ با محوریت قربانیان زیر ۱۸ سال را نشان می‌دهد. همان‌گونه که نمی‌توان انتظار یک الگوی عدالت ترمیمی مشخص را برای بزه‌دیدگان جرائم جنسی بزرگسال در نظر داشت، این امر در زمینه رسیدگی به بزه‌دیدگان جوان این نوع جرائم نیز صادق است و چه بسا نیاز به مدل‌سازی ویژه‌ای داشته باشد. مهم‌ترین ارکان برای اجرای برنامه‌های عدالت ترمیمی در حمایت از قربانیان زیر ۱۸ سال با مطالعه حقوق مبتنی بر نیازها و استفاده از دانش متخصصین فعال در حوزه جوانان بزه‌دیده جنسی عبارت‌اند از:

- ارائه نکات عملی برای اجرای عدالت ترمیمی با جوانان در مسیر فراگرد.
 - سودمندی مشارکت بزه‌دیدگان زیر ۱۸ سال در اجرای عدالت با وجود تعسر در بدو فرایند که بیانگر خواست جوانان در داشتن صدایی فارغ از هرگونه لزوم در قدرت تصمیم‌گیری است.
 - ارائه توضیحات روشن و شفاف در راستای مشارکت جوانان به صورت ایمن و عاری از هرگونه آسیب و خطر.
 - برقراری ارتباط، تداوم و گوش فرا دادن توأم با احترام همانند بزرگسالان بزه‌دیده.
- ارتباط صحیح با مددکاران شاغل در بهزیستی، می‌تواند آن‌ها را با چالش‌های پیش رو، به خصوص در اجرای وظایف محوله براساس قانون حمایت از اطفال و نوجوانان ۱۳۹۹ آشنا نماید و عملاً موجب بهبود عملکرد و پیشبرد اهداف این سازمان در حمایت از بزه‌دیدگان جنسی زیر ۱۸ سال گردد. ارتباط مناسب بزه‌دیدگان جنسی و مددکاران، موجب شناسایی بهتر انتظارات بزه‌دیدگان برای جبران خسارات مادی و معنوی ناشی از بزه‌دیدگی، در جهت بازگرداندن آن‌ها به جامعه می‌شود. هدف اصلی این پژوهش، ارائه

الگویی مطلوب در مقابل الگوی موجود در نظام عدالت کیفری ایران برای اتخاذ سازوکار عدالت ترمیمی در حمایت از قربانیان زیر ۱۸ سال خشونت‌های جنسی با تأکید بر سیاست جنایی مشارکتی است.

سؤال پژوهش

در حمایت از بزه‌دیدگان زیر ۱۸ سال جرائم جنسی، مدل مطلوب مبتنی بر لزوم تأمین و حمایت حداکثری حقوق و نیازهای بزه‌دیدگان جنسی زیر ۱۸ سال که در آن سیاست جنایی مشارکتی به نحو افتراقی عمل کند، چیست؟

به نظر می‌رسد با نگاهی به قوانین کیفری بتوان در حمایت از بزه‌دیدگان جنسی زیر ۱۸ سال و به‌ویژه با توجه به رویکرد مقنن در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان ۱۳۹۹، با بهره‌گیری از مدل عدالت ترمیمی (گال) و حقوق بشر اطفال و نوجوانان، مدلی مفروض داشت که در آن حمایت‌گری حداکثری با مشارکت نهادهای مختلف جامعه در ترمیم کامل وضعیت بزه‌دیده میسر باشد. باید توجه داشت

روش‌شناسی پژوهش

- این پژوهش که از نظر هدف، کاربردی و به لحاظ روش، توصیفی پیمایشی است، با به‌کارگیری رایج‌ترین ابزارهای گردآوری اطلاعات صورت گرفته است:
- اخذ داده‌ها با پرسش‌نامه محقق ساخته از ۱۰۰ مددکار اجتماعی فعال در بهزیستی و مددکاران اجتماعی.
 - اخذ داده‌ها با پرسش‌نامه محقق ساخته از ۱۰۰ خانواده دارای فرزند زیر ۱۸ سال.
 - اخذ داده‌ها با پرسش‌نامه محقق ساخته از ۱۰۰ فرد زیر ۱۸ سال.
- براساس نتیجه این مطالعات، رویکرد بزه‌دیده‌محور نسبت به منافع و مطالبات بزه‌دیدگان خشونت جنسی، همسو با اقتضائات عدالت ترمیمی است. هرچند در نتایج

حاصله اختلاف نظرهایی مشاهده می‌شود، اما در برخی موارد، ازجمله بی‌اعتمادی به دستگاه قضایی از جانب افراد زیر ۱۸ سال، کمبود نیروی فعال در این حوزه یا فقدان شکل‌گیری نهادهای خاص مقررشده در قانون، با یکدیگر همسو و هم‌نظر هستند که علناً موجبات اجرایی نشدن عدالت ترمیمی با توجه به شرایط موجود در نظام حقوقی ایران را فراهم می‌آورند.

ادبیات پژوهش

سپیده میرمجیدی (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «ویژگی‌های الگوی مطلوب برنامه‌های عدالت ترمیمی در پرونده‌های خشونت جنسی، با نگاهی به گفتمان قضایی ایران» نسبت به بزه‌دیدگان بزرگسال بیان می‌دارد، در آخرین ویراست از کتابچه عدالت ترمیمی در سال ۲۰۲۰ میلادی، هر برنامه‌ای که از فرایندهای ترمیمی برای رسیدن به اهداف و نتایج ترمیمی بهره می‌برد، عدالت ترمیمی تعریف شده است. این تعریف نشان می‌دهد عدالت ترمیمی بدون آنکه به یک الگوی ایدئال، یک رویه یا فرایند مشخص محدود شود، از اهداف، هنجارها و معیارهای مشترکی برای اتخاذ تدابیر ترمیمی در بسترهای گوناگون حقوقی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی تبعیت می‌کند. بنابراین، مطلوبیت یک برنامه عدالت ترمیمی، نه وابسته به یک الگو و مدل خاص، بلکه در داشتن ویژگی‌هایی است که بتواند مداخله‌های ترمیمی را تا حد ممکن به اهداف و نتایج پیش‌بینی‌شده از عدالت ترمیمی نزدیک کند.

ازاین‌رو، این مقاله که به لحاظ نوع کیفی و به لحاظ روش، توصیفی تحلیلی است، به دو مسئله اصلی می‌پردازد: نخست اینکه ویژگی‌های یک الگوی مطلوب از عدالت ترمیمی کدام‌اند؟ یعنی میزان مطلوبیت از حیث تحقق بیشترین اهداف و ارزش‌های ترمیمی، صرف‌نظر از اینکه برنامه ترمیمی در قالب چه الگو و مدلی باشد؛ دوم اینکه با توجه به طرح مباحث عدالت ترمیمی در نظام قانونی و قضایی ایران در سال‌های اخیر، با استفاده از مصاحبه با بیست قاضی دادگاه کیفری یک استان تهران و سی بزه‌دیده

خشونت جنسی (اعم از زن و مرد) به عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای گردآوری اطلاعات به این مسئله می‌پردازد که اگر قرار باشد تفسیرهای ترمیمی قاضی از اختیارات قضایی در پرونده‌های خشونت جنسی، یک گام از وضعیت موجود فاصله بگیرد و بیش‌ازپیش حاوی ویژگی‌های لازم برای تحقق بیشتر ارزش‌های ترمیمی باشد، این رویه به چه شکل خواهد بود؟ نتیجه تحقیق نشان می‌دهد «استفاده از کنشگران آموزش‌دیده عدالت ترمیمی در محاکم کیفری» در شرایط موجود نظام عدالت کیفری ایران، رویه‌ای است که بیشتر ویژگی‌های یک الگوی مطلوب را داراست.

گال الگویی برای حقوق کودکان در نظام حقوقی ارائه می‌دهد که بر توان بخشی و حمایت از کودکان قربانی تمرکز می‌کند؛ (Gal, 2011) به گونه‌ای که پیچیدگی‌های مسائل حقوقی، ملاحظات روان‌شناختی و حتی محدودیت‌های خود بازسازی را نشان می‌دهد. مدل گال با نشان دادن روابط متقابل حقوق افراد زیر ۱۸ سال، برای رفع کاستی‌های نظام عدالت کیفری می‌کوشد. زیرا درحالی‌که قوت سیستم عدالت کیفری در حمایت است، نقطه ضعف آن تأمین نیازهای رشدی جوانان است. گال همچنین می‌گوید، فقدان گفت‌وگو از سوی افراد زیر ۱۸ سال هم مانع مشارکت آن‌ها می‌شود.

۱- ادبیات نظری پژوهش

مارتین رایت^۱ بیان می‌دارد: «عدالت ترمیمی، عدالتی است که تلاش می‌کند بین منافع بزه‌دیده و جامعه و نیاز به بازپروری اجتماعی بزهکاران، توازن و تعادل ایجاد نماید و می‌کوشد که ترمیم وضعیت بزه‌دیده را تا حد امکان عملی کند. در این مسیر، تمام اشخاصی را که به نحوی در حادثه مجرمانه نفعی دارند (بزه‌دیده، بزهکار، وابستگان، مقامات قضایی و...) به مشارکت فعال و سازنده برای ایجاد چنین توازنی فرامی‌خواند.» (حاجی خسروی ۱۳۹۴: ۲۳)

1. Martin Wright

حمایت از جوانان بزه‌دیده جنسی در قالب عدالت ترمیمی، مستلزم ارائه سازوکارهای جبرانی و ترمیم‌کننده است؛ از این رو می‌توان با بهره بردن از روان‌پزشک، روان‌شناس، مددکار اجتماعی، میانجی‌گر و پلیس ویژه اطفال و نوجوانان، در ارتقای برنامه‌های سیاست جنایی افتراقی جوانان گام مؤثری برداشت. بهره‌گیری از نهادهای ترمیمی کارآمد در مواجهه با این نوع بزه‌دیدگان، از طریق ارائه مدلی مطلوب جهت پیش‌گیری از وقوع بزه‌دیدگی جنسی و تکرار آن اهمیت دارد. نحوه عملکرد این نهادها هنگام برخورد با این بزه‌دیدگان که نیازمند بازگو کردن جزئیات واقعه و نیازهای روحی و جسمی‌شان است، باید از قالب مدل تهاجمی، خارج شود و در قالب سازوکاری حمایتگر جلوه کند.

این مهم در فرایند برنامه‌های سیاست جنایی مشارکتی، قابل رؤیت خواهد بود. این قسم از سیاست جنایی، بر ضرورت ایجاد اهرم‌های تقویتی دیگر به غیر از پلیس یا قوه قضائیه، به منظور اعتباربخشی بیشتر به سیاست جنایی تقنینی تأکید دارد. با این اعتقاد که «استفاده از قدرت رسانه‌های جمعی، انجمن‌ها و شهروندان، در پیشبرد اهداف سیاست جنایی، بر کارایی آن می‌افزاید.» (لانزر، ۱۴۰۰: ۴۵) «در سیاست جنایی مشارکتی، نوعی پاسخ غیرکیفری به پدیده مجرمانه پی‌جویی می‌شود که سیاست کیفری تقنینی را در پیشبرد اهدافش یاری می‌دهد.» (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۰: ۳۶۱)

۱-۱- رویکرد عدالت ترمیمی در مواجهه با جرائم جنسی علیه افراد زیر ۱۸ سال

برای حمایت حداکثری از حقوق و نیازهای بزه‌دیده جنسی زیر ۱۸ سال، در تدابیر عدالت ترمیمی، صرفاً به تنبیه و واکنش نسبت به بزهکار اکتفا نمی‌کنند؛ بلکه درصدد هستند تا در کنار واکنش بازدارنده و مؤثر نسبت به بزهکاران جنسی، بیشترین خدمت مؤثر نسبت به بزه‌دیده را نیز داشته باشند و این مهم با جلوه‌های عدالت ترمیمی فراهم می‌شود.

عدالت ترمیمی به دنبال یک سیاست جنایی مشارکتی است که در برخورد با پدیده مجرمانه، اعضای اجتماع در خلال برنامه‌هایی چون گفت‌وگو، گروه‌های خانوادگی، میانجی‌گری کیفری بین بزه‌دیده و بزه‌کار، برنامه‌های آشتی‌دهی و مصالحه، محافل تعیین مجازات، هیئت‌های جبران خسارت و برنامه‌های ترمیمی تعلیق مراقبتی، سهمی تعیین‌کننده در تعیین سرنوشت خود داشته باشند. در این برنامه‌ها علاوه بر مقامات رسمی عدالت کیفری، بزه‌کار و بزه‌دیدگان، خانواده‌ها و وابستگان آن‌ها، شهود، مطلعین، دوستان، همسایگان، افراد کهن سال، سازمان‌ها و نمایندگان جامعه مدنی به صحنه تصمیم‌گیری و مشارکت فراخوانده می‌شوند. (strang, 2000: 193)

توجه به شخصیت بزه‌دیده به عنوان یک انسان، نه از بعد دخالت وی در وقوع جرم، بلکه با رویکرد حمایت از او به عنوان قربانی مستقیم، رویکرد بزه‌دیده‌شناسی حمایتی است. (کرامتی معز، ۱۳۹۹: ۶۳) حمایت از بزه‌دیدگان، یکی از شاخه‌های مطالعات سیاست جنایی است (توجهی، ۱۳۹۱: ۱۴) که به آن سیاست جنایی بزه‌دیده‌مدار^۱ گفته می‌شود. سیاست جنایی بزه‌دیده‌مدار در وهله نخست در گرو شناسایی بزه‌دیده و سپس پیش‌بینی حقوق مشخصی برای او در چارچوب یک الگوی حمایتی چندگانه است. از این دیدگاه دولت در سه سطح تقنینی (رحمانی، ۱۳۹۴: ۲۹)، قضایی (حسینی و ابراهیمی، ۱۳۹۸: ۶۷) و اجرایی (کرامتی معز، ۱۳۹۹: ۶۴)، همراه با جامعه مدنی در سطح مشارکتی (جمشیدی، ۱۳۹۵: ۲۴) می‌توانند به حمایت از بزه‌دیدگان بپردازند. در هر یک از سطح‌های چهارگانه سیاست جنایی می‌توان جنبه‌ای از حمایت را در نظر گرفت که در یک الگوی چندگانه حمایتی قابل ارائه است. (رایجیان اصلی، ۱۳۹۰: ۸۱)

از دیگر جلوه‌های مشارکت در پرتو عدالت ترمیمی می‌توان به نقش مشارکتی جوانان اشاره داشت. یکی از این موارد، اجازه به جوانان بزه‌دیده جنسی برای ارائه نظرات و دیدگاه‌هایشان، در فرایند قضایی است. بزه‌دیده زیر ۱۸ سال باید بتواند تقاضای

1. Victim- oriented criminal policy

جبران خسارت‌های وارده به خود را داشته باشد و احساس کند، آلام او برای دیگران مهم است. این کار در بهبود وضعیت وی مؤثر خواهد بود. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۱: ۶۲)

سخن بزه‌دیدگان را باید شنید؛ زیرا حضور آن‌ها در دادگاه فقط برای شکایتی که کرده‌اند نیست، بلکه برای سر دادن فریاد خشم و بی‌عدالتی است و تنها در مرحله آخر است که درخواست جبران خسارت توسط بزه‌دیدگان مطرح می‌شود. (کردعلیوند و محمدی، ۱۴۰۰: ۱۶۰) ازاین‌رو، بند الف ماده ۳۰ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان ۱۳۹۹ تقاضای کودک یا نوجوان را برای تعقیب مرتکب، یکی از جهات قانونی شروع تعقیب دانسته است. پیش از تصویب این ماده، براساس ماده ۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ درباره جوانان بزه‌دیده‌ای که به دلیل نداشتن اهلیت استیفا، نمی‌توانستند اقامه دعوی نمایند و سرپرست آن‌ها به هر دلیل حاضر به اقامه دعوا نبود؛ دادستان مکلف به تعقیب موضوع بود؛ ولی اکنون کودک یا نوجوان بزه‌دیده، خود می‌تواند خواهان تعقیب مجرم باشد. به دلیل تصویب این ماده، براساس ماده ۱۱ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ کودک یا نوجوان بزه‌دیده می‌تواند علاوه بر اقامه دعوی عمومی، اقدام به اقامه دعوی خصوصی نیز بنماید.

یک برنامه عدالت ترمیمی موفق با هدف کمک به جوانان قربانی، شامل همان مراحل می‌شود که برنامه‌های عدالت ترمیمی عام دارند: آماده‌سازی، برخورد و پیگیری؛ البته جزئیات به عوامل متعددی مانند نوع جرم، سن جوان، ملاحظات فرهنگی و... بستگی دارد. استانداردها به جای دیکته کردن نوع خاصی از یک مدل عدالت ترمیمی، می‌توانند به کودک محوری برنامه، بدون توجه به مدل انتخابی کمک کنند.

۲-۱- شاخص‌های مطلوبیت تدابیر عدالت ترمیمی

در راستای بیان شاخصه‌های مطلوبیت تدابیر عدالت ترمیمی، می‌توان به این چهار مورد اشاره کرد: سامان‌دهی، تسهیلگران حرفه‌ای، بهره‌گیری از متخصصین و

ارزشیابی.

سامان دهی: تجربیات بین‌المللی نشان می‌دهد که بدون توجه به ملزومات قانونی در ارجاع پرونده‌های مناسب و بزه‌کاران واجد شرایط به سیستم عدالت ترمیمی، عرف این بررسی به فراتر از پرونده‌ها و ابعاد محلی بسط پیدا نخواهد کرد. (al Sherman et al, 2015) علاوه بر این، قانون‌گذاری‌های دقیق و طولانی با هدف قانونمند کردن عملکرد سیستم عدالت ترمیمی، منجر به شفافیت، در دسترس قرار گرفتن، یکسانی و تداوم رسیدگی‌های این سیستم عدالتی خواهد شد. (González, 2020: 37)

تسهیلگران حرفه‌ای: وقتی فرایند عدالت ترمیمی شامل جوانان قربانی می‌شود، تسهیلگران باید به درستی آموزش دیده باشند. برای برقراری ارتباط مؤثر با کودکان در گروه‌های سنی متفاوت و برای درک نیازهایشان، این آموزش‌ها نه فقط باید درباره شرایط عام عدالت ترمیمی باشد، بلکه تسهیلگر باید در سایر زمینه‌ها مانند از بین رفتن دوران کودکی به دلیل قربانی شدن حقوق کودک و روان‌شناسی رشد اطلاعات کافی داشته باشد. (Gal, 2021: 61)

استفاده از متخصصین: از آنجایی که در اکثر مواقع، جرائم علیه جوانان در شرایط پیچیده‌ای واقع شده و منجر به موقعیت‌های حتی پیچیده‌تری می‌شود، برنامه عدالت ترمیمی در مواجهه با کودکان و قربانیان کم‌سن باید به گستره وسیعی از متخصصین رشته‌های مختلف مانند سوءاستفاده از کودکان، خشونت خانگی، قلدری در مدرسه و تعرض‌های جنسی دسترسی داشته باشد. (al et Shum, 2021)

ارزشیابی: برای داشتن درک صحیح درباره اینکه عدالت ترمیمی چگونه کار می‌کند و چه عواملی مانع آن هستند و اینکه چرا در مواقع حضور قربانیان کم‌سن و سال، ارجح آن است که از این فرایند استفاده شود، بسیار مهم است که طی فرایند تحقیقاتی موشکافانه‌ای، نتایج و متغیرهای مؤثر بر آن به درستی شناسایی شوند. (Macmil et al, 2007) قدم اول در این مسیر، جمع‌آوری اطلاعات دقیق درباره نقش قربانی

کم‌سن‌وسال، نه فقط در رسیدگی عام، بلکه در فرایند عدالت ترمیمی است.

۱-۳- جایگاه سمن‌ها در سیاست جنایی مشارکتی با رویکرد عدالت ترمیمی

حمایتگر از بزه‌دیده جنسی

از مهم‌ترین نوآوری‌های قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ درباره توجّه به حقوق بزه‌دیده، محقق ساختن آموزه‌های سیاست جنایی مشارکتی و مشارکت سازمان‌های غیردولتی و مردم‌نهاد در تعقیب مجرمین است. (مهمدی، ۱۳۹۲: ۲۹) سازمان‌های مردم‌نهاد به دلیل تمرکز بر موضوع، بالطبع با آزارهای جسمی و جنسی جوانان مواجهه بسیاری داشته‌اند. حضور فعالان این عرصه در جلسات دادرسی، می‌تواند به کیفیت روند دادرسی کمک کند. هرچند براساس اصلاحاتی در ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری اصلاحی ۱۳۹۴ از حق اعتراض به آراء و تجدیدنظرخواهی محروم شده‌اند و اجازه حضور در دادگاه را ندارند. همچنین تبصره ماده ۳۸ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان ۱۳۹۹ نیز، حضور نماینده سازمان‌های مردم‌نهاد در خصوص جرائم جنسی را محدود به اختیار دادگاه رسیدگی‌کننده دانسته است.

مطابق قانون حمایت از اطفال و نوجوانان ۱۳۹۹، قانون‌گذار نهادهای مختلفی را مکلف به حمایت از طفل و نوجوان نموده است؛ در سیاست جنایی جدید، فقط نهادهای عدالت کیفری نیستند که ایفای نقش می‌نمایند. این قانون، با توجّه به این مسئله، علاوه بر نهادهای عدالت کیفری، مراجع غیرکیفری را نیز در حمایت از جوانان دخیل ساخته و برخلاف قانون پیشین، برای حمایت از جوانان، اختیارات وسیعی را به مراجع غیرکیفری از جمله سازمان‌های غیردولتی (سازمان بهزیستی) که در حوزه حقوق جوانان فعال‌اند، داده است. (مهدوی ثابت و عبداللهی، ۱۳۹۸: ۱۹)

نهادهایی از این دست می‌توانند از طریق ابزارهایی چون رسانه‌های گروهی، زمینه تحقق دادرسی عادلانه را فراهم سازند؛ زیرا حضور رسانه‌ها در جلسات دادگاه

به منظور آگاه‌سازی مردم در پرتو علنی بودن رسانه‌ها، نه تنها به انجام دادرسی‌های منصفانه کمک می‌کند؛ بلکه در نقد عادلانه و به دور از غرض‌ورزی نیز مؤثر واقع می‌شود. (کرامتی معز، ۱۳۹۹: ۷۲)

به دلیل محدودیت‌های ناشی از واگذاری حق طرح شکایت و دعوای خصوصی به نهادهای مدنی مذکور، قانون‌گذار ایرانی با اتخاذ رویکردی بسیار حداقلی در زمینه شروع فرایند تعقیب و تحقیق، فقط حق اعلام جرم را به این نهادها اعطا کرده است که به نظر می‌رسد براساس ماده ۶۵ به همة شهروندان (اشخاص حقیقی) اعطا شده و قانون‌گذار دامنه اعلام جرم را به این اشخاص حقوقی، تحت شرایط خاصی اعطا کرده است.

براساس تبصره ۱ ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری یکی از شرایط اعلام جرم سازمان‌های مردم‌نهاد در جرائم ارتكابی علیه افراد زیر ۱۸ سال، رضایت ولی یا سرپرست قانونی در صورت ارتكاب جرم توسط خود آن‌ها یا رضایت قیم اتفاقی با تأیید دادستان است. این سخت‌گیری با اهداف حمایتی مربوط به کاهش رقم سیاه جرائم ارتكابی علیه کودکان و افزایش بزه‌دیدگی‌های گزارش شده در تضاد است. (زینالی، ۱۳۹۳: ۵۱) با این حال حضور مشاوران یا دادرسان مردمی در دادگاه‌های اطفال، نمودی از سیاست جنایی قضایی مشارکتی است؛ بنابراین، وضع ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری اقدامی مثبت در راستای تقویت نقش سازمان‌های غیردولتی و مردمی در فرایند کیفری کمک به بزه‌دیده‌ای است که شرایط خاص برای ادامه و پیگیری جرم را ندارد. درواقع رویکرد مشارکتی سازمان‌های مردم‌نهاد، متأثر از بزه‌دیده‌شناسی حمایتی است. (کرامتی معز، ۱۳۹۹: ۷۳)

۴-۱- حمایت اجتماعی در سیاست جنایی مشارکتی با رویکرد عدالت

ترمیمی حمایتگر از بزه‌دیده جنسی

در میان انواع حمایت از بزه‌دیده، شاید حمایت اجتماعی مهم‌ترین مصداق

سیاست جنایی مشارکتی بزه‌دیده‌مدار باشد. (خدادادی، ۱۳۹۸: ۷۹) که پیش از هر چیز، از گذر انجمن‌های سازمان‌ها یا نهادهایی مصداق می‌یابد که معمولاً به ابتکار خود بزه‌دیدگان راه‌اندازی می‌شود. (کرامتی معز، ۱۳۹۹: ۷۶) در این گونه حمایتی، درباره به رسمیت شناختن حالت بزه‌دیدگی آن‌ها صحبت می‌شود؛ بدین معنا که جامعه باید غیرمشروع و غیرانسانی بودن جرائم جنسی و پیامدهای حاصله برای بزه‌دیدگان زیر ۱۸ سال را به رسمیت بشناسد.

شناسایی زود هنگام جوانان در معرض خطر، بسیار مهم است؛ زیرا در صورت ناشناخته ماندن قربانیان، نه تنها نظام عدالت کیفری در تأمین دلایل و مدارک مرتکبین را از دست می‌دهد، بلکه ناکامی در شناسایی این نوع بزه‌دیدگان و حمایت نکردن از آن‌ها، منجر به بزه‌دیدگی ثانویه خواهد شد؛ زیرا جوانان، بیش از بزرگسالان در معرض خطر بزه‌دیدگی قرار دارند؛ گروهی از آن‌ها به دلایلی نظیر شرایط زندگی، بیماری یا اعتیاد سرپرست و... بیش از دیگران در خطر بزه‌دیدگی یا حتی بزهکاری هستند که به این گروه «کودکان در معرض خطر» یا «کودکان آسیب‌پذیر» می‌گویند. (مهر، ۱۳۸۵: ۴۳) کودک در معرض خطر، کودکی است که به دلایل متعددی، حمایت بخش‌های ابتدایی اجتماع از او دریغ شده است. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۶: ۵۶) همچنین می‌توان خطر را به صورت «مجموعه‌ای از اوضاع، احوال و شرایطی که در آن احتمال انحراف از مشی مطلوب مورد حمایت قانون در آن بسیار قوی است» تعریف کرد. (اردبیلی، ۱۳۸۶: ۵۲)

از آنجا که شناخت وضعیت خطرناک، در پیشگیری از وقوع بزه و صدمات ناشی از آن، اهمیت بسزایی دارد، ماده ۳ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان ۱۳۹۹ در ۱۴ بند به تعریف وضعیت خطرناک پرداخته و در مواد ۱۷ و ۳۳، افراد جامعه و نهادهای دولتی را (طبق ضوابطی) موظف به دخالت برای جلوگیری از وقوع بزه نموده است.

۲- مدل نیاز-حقوق، جلوه‌ای از تعامل سیاست جنایی مشارکتی در عدالت

ترمیمی

مدل نیاز-حقوق، علاوه بر اینکه به جوانان بزه‌دیده جنسی در فرایند کیفری کمک می‌کند، همچنان از طریق توان بخشی حمایت خود را از بزه‌دیدگان ادامه می‌دهد. این مدل با مشاهده تجربیات موفق کشورهای مختلف و با بررسی حقوق و نیازهای بزه‌دیدگان جنسی زیر ۱۸ سال تنظیم شده است. (al Et & Evans, 2012)



گال در مدلی که ارائه داده، نشان می‌دهد که چگونه می‌توان از مطالعات صورت‌گرفته برای ایجاد پاسخ‌های متفکرانه به بزه‌دیدگان جنسی زیر ۱۸ سال استفاده کرد. درواقع در این مدل می‌توان بیان داشت که حقوق و نیاز، نه تنها در مقابل هم قرار نگرفته‌اند، بلکه در راستا و مکمل یکدیگرند. این مدل به جای در نظر گرفتن جوانان بزه‌دیده به عنوان موضوعی برای حمایت، سعی بر ارائه مدلی مبتنی بر حقوق بزه‌دیدگان جرائم جنسی زیر ۱۸ سال دارد تا با بررسی نیازهای روانی اجتماعی^۱ به نتیجه برسد.

مرحله ورود آسیب یا شروع بزه‌دیدگی، مرحله واکنش یا پاسخ و تعدیل آن و مرحله حل و فصل با تجزیه و تحلیل، مراتب تجارب جوانان است. (al Et & Bree, 1999; Zehr, 1990) لازم به ذکر است حقوق ایجادشده مبتنی بر نیازها، دو رکن مقابل هم نیستند؛ بلکه جداناپذیرند و به نوعی مکمل یکدیگرند. پیوند میان نیازها و حقوق، خوشه‌هایی را شکل می‌دهد که نشان از روابط میان آن‌ها با اصول حاکم جهت اقدام

1. Child Victims' Needs

در محیط‌های عدالت ترمیمی دارد. «خوشه بهترین منافع» خواستار ارزیابی فردی از نیازهای کوتاه‌مدت و بلندمدت جوانان و تنظیم برنامه جبران خسارت براساس نیازهای خاص آن‌هاست و «خوشه کنترل» با توجه به تکنیک‌های متنوع، افزایش مشارکت (ازجمله مشارکت نمایندگان به نیابت از افراد زیر ۱۸ سال) را پیشنهاد می‌کند. «خوشه رویکرد عدالت» بر مبنای اصل برابری نیز مستلزم دسترسی برابر به برنامه‌های عدالت ترمیمی برای همه جوانان بزه‌دیده جنسی، با توجه به نیازهای خاص آن‌هاست. درنهایت، «خوشه ایمنی» که خواستار اطلاعات و فرایندهای مناسب سن، نظارت مؤثر پس از فرایند و ایمنی به‌عنوان هدف اصلی فرایند عدالت و ترمیم است، نقطه شروعی برای ایجاد شیوه‌های ترمیمی خواهد بود. (Gal, 2012: 83)

۲-۱- خوشه بهترین منافع (منافع عالی‌ه)

اولین مجموعه نیازها را می‌توان به‌عنوان منافع عالی‌ه افراد زیر ۱۸ سال دسته‌بندی کرد؛ زیرا ارتقای اصول حمایتی با توان بخشی و ایمن‌سازی مرتبط است. این امر شامل یافته‌هایی در موارد نیاز به شبکه‌های پشتیبانی، پذیرش اجتماعی، اعتبارسنجی و جبران خسارت است. سیفگ کرنکه^۲ درباره اهمیت متغیر شبکه‌های حمایتی مختلف برای بزه‌دیده‌شناسی توسعه‌گرا صحبت می‌کند^۳ که نشان‌دهنده همبستگی بین مشارکت اجتماعی و کاهش است. احمد و همکاران^۴ می‌گویند، بزه‌دیدگان می‌توانند از تأیید رفتار و احساسات خود توسط دیگران بهره‌برند و احساس تنهایی و قربانی بودن را تا حدودی تسلی بخشند. (Gal, 2012: 91-57) ناگفته نماند که در کنار حمایت‌های معنوی، جبران خسارت مادی برای بزه‌دیدگان دارای اهمیت ویژه‌ای است. (Strang, 2002) در این

1. Best Interests Cluster

2. Seiffge-Krenke

3. Maercker & Muller

4. Ahmed & Harris & Braithwaite.

خوشه، ضمن مرور ادبیات مربوط به نیازهای روانی اجتماعی کودکان قربانی، یک مدل ترکیبی نیاز-حقوق ارائه شده است. درواقع یافته‌های تجربی درباره اهمیت شبکه‌های پشتیبانی تصدیق آسیب، اعتبارسنجی رفتار و جبران خسارت با اصول حقوق بشر منافع، توان بخشی و توسعه آن‌ها دسته‌بندی شده و یک «خوشه بهترین منافع» ایجاد شده است.

۲-۲- خوشه کنترل^۱

نیازهای جوانان، با هر سه اصل حقوق بشر (مشارکت، منافع عالی و توان بخشی) مطابقت دارد و بالقوه، اثر مثبتی در فرایند درمان، بهزیستی و بهبودی بزه‌دیدگان خواهد داشت. (Frazier; 1982, al et Brickman, 2003) البته اگر اتخاذ تصمیم درباره بزهکار، بر دوش بزه‌دیده واقع شود (به عنوان تصمیم‌گیری فعال) نتایج مثبت مشابهی را نیز به همراه می‌آورد. با توجه به برخی یافته‌ها، قدرت کنترل‌گری جوانان علاوه بر آنکه به عنوان یک سازوکار واکنشی در نظر گرفته شده، ممکن است در برخی شرایط مضر جلوه کند. (Fitzgerald & Graham, 2005) یعنی در شرایطی که مشارکت جوانان به دلیل نداشتن آمادگی کافی یا بی‌میلی بزرگسالان به جدی گرفتن دیدگاه‌های آن‌ها بی‌فایده جلوه می‌کند، ممکن است به عنوان وضعیتی «کنترل‌نشدنی» باعث احساس سرخوردگی و ناامیدی بیش از پیش افراد زیر ۱۸ سال تلقی شود. (Weisz & Thurber, 1997) به همین دلیل تلاش برای تأثیرگذاری بر فرایند، نه تنها بیهوده است، بلکه موجب ورود آسیب بیشتر به آن‌ها می‌شود.

سایر مفاهیم روانی اجتماعی که ارتباط نزدیکی با اصول حقوق بشر دارند، تعامل مستقیم با مرتکب، تبادل عذرخواهی و بحث گروهی است. تعامل بزه‌دیدگان با مجرمان، امکان پرسش و پاسخ را فراهم آورده و شاید قربانیان درک بهتری از آنچه رخ داده است را

1. Control Cluster

به دست آورند. (Herman, 1992; Lazarus, 1999; Murray, 1999) مشارکت فعال پژوهکار نیز پیش‌شرطی برای تعامل رودررو و عذرخواهی واقعی و داوطلبانه از سوی او و بخشش توسط بزه‌دیده است که تأثیر مثبتی بر تأمین منافع و نیازهای بزه‌دیدگان دارد. (Enright & Kittle, 2000; Petrucci, 2002; Taft, 2000)

همان‌طور که کالینز^۱ توضیح می‌دهد، شرکت در یک نشست گروهی مثبت، می‌تواند احساس تعلق ایجاد کند و احساسات منفی را به احساسات مثبت تبدیل کند. این خوشه یافته‌های مربوط به اهمیت کنترل، خواسته‌ی جوانان و آنچه نیاز دارند، در کنار بحث گروهی و عذرخواهی، با سه اصل حقوق بشر سازگاری دارند و «خوشه کنترل» را ایجاد می‌کنند.

۲-۳- خوشه رویکرد عادلانه یا رویکرد عدالت^۲

این خوشه به انتظارات و خواسته‌های کودکان در روند دادرسی اشاره دارد. آن‌ها انتظار دارند تا مجریان نظام عدالت کیفری، در شنیدن اظهاراتشان، همانند یک فرد بزرگ‌سال جدی گرفته شوند. اما فراتر از مشارکت کودکان، درک آن‌ها از رویکرد عدالت به دو اصل حقوق بشری؛ یعنی برابری و بازپروری پیوند می‌خورد که همین امر منتج به دریافت نظرات و فهم متفاوت ایشان از رویکرد عدالت است. به‌عنوان مثال در مطالعات لارنس^۳ مشارکت و حس کنترل بر فرایند، به‌عنوان عنصر اصلی رویکرد عدالت قلمداد نشده؛ (Lawrence, 2003; Tyler, 1988) درحالی‌که در مطالعات ملتون (Limber & Melton, 1992) به‌عنوان یک مؤلفه اصلی از رویکرد عدالت تلقی گشته است. گراهام و فیتزجرالد^۴ دوگانگی را از تجارب کودکان در خصوص مشارکتشان آشکار کردند که عبارت‌اند از: ترس

1. Collins

2. Procedural Justice

3. Lawrence

4. Graham and Fitzgerald

مواجهه با موضوعی که در ارتباط با آن هاست، در کنار تمایل به مشارکت و مداخله‌گری برای تصمیم‌گیری در موضوع مطروحه. (Fitzgerald & Graham, 2005)

مشارکت منصفانه لازمه هر فرایندی است؛ مهارتی اکتسابی که نیاز به یادگیری و تمرین مستمر دارد. اگر جوانان دریابند که مشارکت آن‌ها جنبه نمایشی داشته و رویکرد عدالت در حقوق مشارکتی آن‌ها رعایت نشده است، ترجیح می‌دهند که همکاری نکنند. (Hill & Laybourn, Stafford, 2003) رویکرد عدالت و اصل برابری، به عنوان مؤلفه‌های مهم در اجرای یک نظام مبتنی بر عدالت برای جوانان محسوب می‌شوند. (Zehr, 1990)

این مفاهیم، برنامه‌های عدالت ترمیمی را با توجه به نیاز جوانان به مشارکت، توان بخشی و برابری، با رویه‌ای که در ادبیات روانی اجتماعی درک می‌شود، پیوند می‌زند.

۲-۴- خوشه ایمنی^۱ با رویکرد بزه‌دیده‌شناسی رشد

براساس مطالعات حوزه بزه‌دیده‌شناسی افتراقی، می‌توان به درک وظایف رشدی^۲ مرتبط با سن (تأثیر سن بر اهمیت حمایت خانواده، هم‌سالان و جامعه از کودکان بزه‌دیده) به تفاوت سازوکارهای واکنشی کودکان نسبت به جرائم پی‌برد. (Leatherman-Dzuiba & Finkelhor, 1994; Tackett-Kendall & Finkelhor, 1997)

داده‌های جمع‌آوری شده توسط بریر و الیوت نیز تأثیر رفتاری، شناختی و عاطفی جرم را بر کودکان روشن می‌کند. این حقایق برای رسیدگی بهتر به نیازهای کودکانی که در معرض خطر بزه‌دیدگی هستند، مفید است. به عنوان مثال، اگر علائم پریشانی در مراحل اولیه شناسایی شوند، ممکن است کودکان در برابر سوءاستفاده بیشتر محافظت و ایمن شوند. همچنین می‌توان از بزه‌دیدگی ثانویه به طور مؤثرتری پیشگیری کرد. (Finkelhor, 2008) البته نباید از شرایط ویژه جوانان از جمله جنسیت، بیماری، معلولیت‌ها، مهاجرت

1. Protection Cluster
2. Developmental Task

و برخی دیگر از محدودیت‌ها غافل ماند.

این خوشه یافته‌های مربوط به تأثیر سن و نیازهای ویژه بر تأثیر بزه‌دیدگی، راهبردهای مقابله و آسیب‌پذیری‌های خاص با اصول حقوق بشر را ایجاد می‌کند. خوشه ایمنی براساس اطلاعات و فرایندهای مناسب سن، نظارت مؤثر پس از فرایند و ایمنی، به‌عنوان پیش‌شرط و هدف اصلی فرایند عدالت و ترمیم، نقطه‌شروعی برای ایجاد شیوه‌های ترمیمی محسوب می‌شود.

۳- مدل نیاز-حقوق؛ در بوتۀ امکان‌سنجی مواجهه با جرائم جنسی علیه

افراد زیر ۱۸ سال

برای رسیدن به یک مدل مطلوب و امکان‌سنجی کاربست سنجه‌های عدالت ترمیمی در نظام حقوقی ایران با توجه به مطالب بیان‌شده و با بهره‌گیری از مدل ارائه‌شده توسط گال، به شناسایی جایگاه برنامه‌های عدالت ترمیمی مطابق با ظرفیت‌های موجود نیاز است. بنابراین باید ضمن شناخت جلوه‌های حقوق بشر افراد زیر ۱۸ سال در نظام عدالت کیفری، با رویکردی ترمیمی، نقش سیاست جنایی مشارکتی را در کنار مدل پیشنهادی گال بررسی کرد تا اقدامات لازم برای شناسایی روش مناسب تحقیق فراهم شود. ناگفته نماند که ماده ۱۰ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان ۱۳۹۹ باعث ایجاد شبهه در خصوص رسیدگی به جرائم جنسی علیه افراد زیر ۱۸ سال در دادسرا شده بود که با انتشار دو رأی مشورتی به آن پاسخ منفی داده شد.

۳-۱- یافته‌های استنباطی

روایی ابزار اندازه‌گیری، بیانگر این موضوع است که آیا سؤالاتی که در پرسش‌نامه مطرح شده است، همان مفهومی را که تحقیق‌گر در نظر دارد، مورد سنجش قرار می‌دهد یا خیر. اهمیت روایی به این سبب است که اندازه‌گیری‌های ناکافی و نامناسب می‌تواند

هر تحقیق علمی را نامعتبر و بی ارزش سازد. (خاکی، ۱۳۹۰: ۳۰۰). مفهوم روایی به این سؤال پاسخ می دهد که ابزار اندازه گیری تا چه حد، خصیصه مورد نظر را می سنجد. بدون آگاهی از اعتبار ابزار اندازه گیری، نمی توان به دقت داده های حاصل از آن اطمینان داشت. شاید ابزار اندازه گیری برای سنجش یک خصیصه در جامعه ای معتبر باشد؛ درحالی که برای سنجش همان خصیصه در جامعه دیگر از هیچ اعتباری برخوردار نباشد. (سرمد و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۷۰)

جهت اطمینان از روایی پرسش نامه این تحقیق، از روش کیفی، یعنی تخصص استادان و نظریه های کارشناسان و مطالعه پرسش نامه های مشابه، مقاله ها و کتاب ها استفاده شد و پس از بحث و بررسی، اصلاحات مدنظر آن ها در پرسش نامه اعمال گردید. به این منظور از نظر اساتید حقوق، علوم اجتماعی و کارشناسان متخصص کمک گرفته شد و پس از تأیید آن ها سؤال پرسش نامه تهیه و توزیع گردید. برای اعتبار و روایی پرسش نامه از اعتبار محتوا بهره گرفته شد. اعتبار محتوا با نام دیگر اعتبار منطقی، بیان می دارد که آیا روش گردآوری داده ها دقیقاً بیان کننده محتوایی است که باید اندازه گیری شود یا خیر. سنجش اعتبار محتوا توسط افراد خبره انجام می شود تا سؤالات پرسش نامه تحقیق از روایی و پایایی لازم برخوردار باشد.

مقصود از پایایی آن است که اگر ابزار اندازه گیری را در یک فاصله زمانی کوتاه، چندین بار به گروه واحدی از افراد بدهیم، نتایج حاصله نزدیک به هم باشد. برای اندازه گیری پایایی از شاخصی به نام ضریب پایایی استفاده می کنیم که اندازه آن معمولاً بین صفر تا یک تغییر می کند. ضریب پایایی صفر معرف ناپایایی و ضریب پایایی یک معرف پایایی کامل است. (مؤمنی، ۱۳۹۰)

برای تعیین پایایی پرسش نامه مورد استفاده در این تحقیق از روش آلفای کرونباخ استفاده شد. این روش برای محاسبه هماهنگی های درونی ابزارهای اندازه گیری از جمله پرسش نامه ها یا آزمون هایی که خصیصه های مختلفی را اندازه گیری می کنند

به کار می‌رود. ضریب آلفای کرونباخ توسط کرونباخ^۱ ابداع شد و یکی از متداول‌ترین روش‌های اندازه‌گیری اعتمادپذیری یا پایایی پرسش‌نامه‌هاست. برای محاسبه ضریب آلفای کرونباخ، ابتدا باید واریانس نمره‌های هر زیرمجموعه، سؤال‌های پرسش‌نامه یا زیرآزمون و واریانس کل را محاسبه کرد؛ سپس با استفاده از این رابطه، مقدار ضریب آلفای کرونباخ را محاسبه کرد:

$$\alpha = \frac{K}{K-1} \left[1 - \frac{\sum S_i^2}{S_T^2} \right] \quad \text{فرمول ۱: آلفای کرونباخ}$$

α : تعداد زیرمجموعه‌های سؤال‌های پرسش‌نامه یا آزمون؛

S_i^2 : واریانس زیرآزمون k ام؛

S_T^2 : واریانس کل آزمون.

جدول آزمون آلفای کرونباخ پرسش‌نامه:

مقدار پایایی	
۰/۸۸۴	پایایی پرسش‌نامه مددکاران اجتماعی ۴۳ سؤالی
۰/۹۲۱	پرسش‌نامه جوان ۳۲ سؤالی
۰/۹۱۶	پرسش‌نامه ۳۱ سؤالی نگرش خانواده به بزهکاری

هرقدر درصد به‌دست‌آمده به ۱۰۰ درصد نزدیک‌تر باشد، بیانگر قابلیت اعتماد بیشتر پرسش‌نامه است. ضریب آلفای کمتر از ۶۰ درصد معمولاً ضعیف به حساب می‌آید؛ دامنه ۷۰ درصد قابل قبول و بیش از ۸۰ درصد خوب تلقی می‌شود. البته هرچقدر ضریب اعتماد به عدد یک نزدیک‌تر باشد، بهتر است. بدین منظور ابتدا نمونه اولیه، شامل ۳۰ پرسش‌نامه پیش‌آزمون گردید. این نمونه‌ها بین گروه‌های موردنظر توزیع شد و سپس با استفاده از داده‌های به‌دست‌آمده از این پرسش‌نامه‌ها و به کمک نرم‌افزار SPSS میزان پایایی با روش آلفای کرونباخ برای این ابزار محاسبه شد.

1 Cronbakh

نتایج آزمون آلفای کرونباخ نشان می‌دهد که مقدار پایایی به دست آمده برای پرسش نامه در حد مطلوبی است؛ زیرا کلیه مقادیر به دست آمده بیشتر از ۰/۷ است. به نظر می‌رسد بین اعتماد به نظام حقوقی و نهادهای مربوطه با کاهش آزارهای جنسی جوانان رابطه معنی داری وجود دارد.

آزمون ضریب همبستگی پیرسون رابطه اعتماد به نظام حقوقی و نهادهای مربوطه با کاهش آزارهای جنسی جوانان:

ضریب همبستگی	۰/۳۶۰**
سطح معنی داری	۰/۰۰۰
تعداد پاسخگویان	۱۰۰

نتایج به دست آمده از آزمون ضریب همبستگی بین این دو متغیر حاکی از آن است که بین ۱۰۰ پاسخگوی مورد مطالعه، ضریب همبستگی با سطح معنی داری $a=0/000$ برابر با $R/360=0$ محاسبه شده است. از آنجا که این سطح معنی داری از سطح معنی داری مورد نظر ما $a=0/05$ کوچک تر است؛ مدرک کافی برای رد فرض صفر خود داریم؛ در نتیجه فرضیه صفر ما رد و فرضیه اصلی ما تأیید می‌شود؛ بنابراین نتیجه می‌گیریم که اعتماد به نظام حقوقی و نهادهای مربوطه، رابطه مثبت و معنی داری با کاهش آزارهای جنسی جوانان دارد؛ یعنی با افزایش اعتماد به نظام حقوقی و نهادهای مربوطه، میزان کاهش آزارهای جنسی افزایش پیدا می‌کند.

نتایج آزمون رگرسیون درباره تأثیر متغیر اعتماد به نظام حقوقی بر میزان کاهش آزار جنسی:

روش ورود متغیرهای همزمان	Method=inter
ضریب همبستگی چندگانه	۰/۸۰۷
ضریب تعیین	۰/۶۵۱
ضریب تعیین تعدیل یافته	۰/۶۳۳
خطای معیار	۰/۷۲۲۴۲
تحلیل واریانس	۳۵/۰۹
سطح معنی داری	۰/۰۰۰

نتایج به‌دست‌آمده از آزمون رگرسیون حاکی از آن است که ضریب رگرسیون با سطح معنی‌داری $a=0/000$ برابر با $R=0/807$ محاسبه شده است. از آنجاکه این سطح معنی‌داری از سطح معنی‌داری موردنظر ما $a=0/05$ کوچک‌تر است؛ مدرک کافی برای رد فرض صفر خود داریم. در نتیجه فرضیه صفر ما تأیید و فرضیه اصلی ما رد می‌شود؛ بنابراین نتیجه می‌گیریم که به‌ازای تغییر در یک واحد انحراف معیار آموزش و فرهنگ‌سازی، آگاهی بخشی از حقوق در رسانه ملی، آگاهی بخشی از طریق شبکه‌های اجتماعی، اعتماد به نظام حقوقی و نهادهای آگاهی بخشی آموزش و پرورش بر میزان کاهش آزار جنسی، میزان کاهش آزار جنسی به‌ترتیب به اندازه $0/283$ ، $0/304$ ، $0/258$ ، $0/102$ و $0/32$ پیش‌بینی می‌شود؛ بنابراین مهم‌ترین عامل کاهش آزار جنسی، آموزش و فرهنگ‌سازی است. میزان رضایتمندی از نحوه نظارت، حضور و مشارکت پلیس در جامعه در حد متوسط به پایین است.

آماره‌های توصیفی پیرامون رضایتمندی از نحوه نظارت، حضور و مشارکت پلیس در جامعه:

تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای معیار
۱۰۰	۲/۶۶۰۰	۱/۱۳۹۰۲	۰/۱۱۳۹۰

نتایج آزمون تی‌تک نمونه‌ای پیرامون رضایتمندی از نحوه نظارت، حضور و مشارکت پلیس در جامعه:

عدد تی	درجه آزادی	سطح معنی‌داری	تفاوت میانگین	حد بالا	حد پایین
-۲/۹۸۵	۹۹	۰/۰۰۴	-۰/۳۴۰۰۰	-۰/۵۶۶۰	-۰/۱۱۴۰

بررسی نتایج در جدول حاکی از آن است که میزان رضایتمندی از نحوه نظارت، حضور و مشارکت پلیس در جامعه، تفاوت معناداری بین میانگین نمونه و میانگین فرضی جامعه در سطح معناداری $0/01$ وجود دارد. ($t=-98/2$)

نتایج حاکی از آن است که از دیدگاه پاسخ‌دهندگان، رضایتمندی از نحوه

نظارت، حضور و مشارکت پلیس در جامعه در حد متوسط به پایین بوده است. میزان اطلاع از کارکرد و وظایف مددکاران و سازمان‌های مربوطه، میان خانواده‌ها و جوانان در حد متوسط به پایین است.

آماره‌های توصیفی پیرامون میزان اطلاع از کارکرد و وظایف مددکاران و سازمان‌های مربوطه میان

خانواده‌ها و جوانان:

تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای معیار
۱۰۰	۱/۸۸۰۰	۰/۸۳۲۱۸	۰/۰۸۳۲۲

نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای پیرامون اطلاع از کارکرد و وظایف مددکاران و سازمان‌های مربوطه میان

خانواده‌ها و جوانان:

عدد تی	درجه آزادی	سطح معنی‌داری	تفاوت میانگین	حد بالا	حد پایین
-۱۳/۴۵۹	۹۹	۰/۰۰۴	-۱/۱۲۰۰۰	-۱/۲۸۵۱	-۰/۹۵۴۹

بررسی نتایج در جدول حاکی از آن است که میزان اطلاع از کارکرد و وظایف مددکاران و سازمان‌های مربوطه، میان خانواده‌ها و جوانان تفاوت معناداری بین میانگین نمونه و میانگین فرضی جامعه در سطح معناداری ۰/۰۱ وجود دارد. ($t = -13/45$) نتایج حاکی از آن است که اطلاع از کارکرد و وظایف مددکاران و سازمان‌های مربوطه، میان خانواده‌ها و جوانان در حد متوسط به پایین بوده است.

آزمون ضریب همبستگی پیرسون پیرامون رابطه میزان مشارکت مددکاران در حوزه جرائم جنسی

مطابق قانون:

ضریب همبستگی	۰/۶۹۸**
سطح معنی‌داری	۰/۰۰۰
تعداد پاسخگویان	۱۰۰

میزان مشارکت مددکاران در حوزه جرائم جنسی، دارای رابطه معناداری است.

نتایج به‌دست‌آمده از آزمون، حاکی از آن است که بین ۱۰۰ پاسخ‌گوی مورد مطالعه، ضریب همبستگی با سطح معنی‌داری $a=0/000$ برابر با $R=0/698$ محاسبه شده است. از آنجاکه این سطح معنی‌داری از سطح معنی‌داری مورد نظر ما $a=0/05$ کوچک‌تر است، مدرک کافی برای رد فرض صفر خود داریم. در نتیجه فرضیه صفر ما رد و فرضیه اصلی ما تأیید می‌شود. بنابراین نتیجه می‌گیریم که میزان مشارکت مددکاران در حوزه جرائم جنسی، رابطه مثبت و معنی‌داری با ممنوعیت و کاهش فعالیت‌های آنان دارد. یعنی مشارکت نکردن و فعالیت مددکاران اجتماعی خارج از حوزه بهزیستی، با وجود اعمال محدودیت‌های حضور و فعالیت آن‌ها در قانون افزایش پیدا می‌کند و شدت رابطه در حد قوی است. آماره‌های توصیفی تعداد نیروی لازم از مددکاران فعال در حوزه جوانان به‌ویژه در جرائم جنسی، در حد متوسط به پایین است.

تعداد نیروی لازم از مددکاران فعال در حوزه جوانان به‌ویژه در جرائم جنسی:

تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای معیار
۱۰۰	۱/۷۰۰۰	۰/۷۳۱۶۸	۰/۰۷۳۱۷

تعداد نیروی لازم از مددکاران فعال در حوزه جوانان به‌ویژه در جرائم جنسی:

عدد تی	درجه آزادی	سطح معنی‌داری	تفاوت میانگین	حد بالا	حد پایین
۱۷/۷۶۷	۹۹	۰/۰۰۰	-۱/۳۰۰۰۰	-۱/۴۴۵۲	-۱/۱۵۴۸

بررسی نتایج در جدول حاکی از آن است که در تأثیر کارآمدی تعداد نیروی لازم از مددکاران فعال در حوزه جوانان به‌ویژه در جرائم جنسی، تفاوت معناداری بین میانگین نمونه و میانگین فرضی جامعه در سطح معناداری $0/01$ وجود دارد. $(t=17/76)$ نتایج حاکی از آن است که از دیدگاه پاسخ‌گویان میزان کارآمدی و تعداد نیروی لازم از مددکاران فعال در حوزه جوانان به‌ویژه در جرائم جنسی، متوسط به پایین بوده است.

۲-۳. کاستی‌های نظام عدالت‌گیری در اجرایی شدن عدالت‌ترمیمی



با توجه به داده‌های جمع‌آوری‌شده و بهره‌گیری از دانش کارشناس آمار، به وجود عواملی پی برده شد که باید در جهت حمایت از اطفال و نوجوانان بزه‌دیده، اصلاح و اعمال شوند. در روند این پژوهش، آنچه بیش‌ازپیش برای محقق جالب‌توجه بود، همکاری نکردن پسران زیر ۱۸ سال در پاسخ‌گویی به سؤالات است؛ مشاهده شد که در صورت تمایل چندی از آن‌ها، متأسفانه با واکنش و تمسخر سایر دوستان خود مواجه و سؤالات بی‌پاسخ رها می‌شدند. ازجمله مواردی که از گروه دوستان آن‌ها به چشم می‌خورد، ابراز جملاتی نامناسب و برچسب یا انگ‌گذاری بود که به مصاحبه‌شونده‌ای که تمایل به پاسخ‌گویی داشت، نسبت می‌دادند. (حتماً مورد تعرض واقع شده‌ای!)

متأسفانه، جو حاضر میان دانش‌آموزان دبیرستان، امکان دریافت پاسخ از آن‌ها را دشوار می‌سازد. از طرفی با مراجعه به دبستان‌های پسرانه و دخترانه نیز با مخالفت‌های کادر آموزشی در توزیع پرسش‌نامه مواجه می‌شدیم. در دو مدرسه نیز به سؤالات پژوهشی ایراد وارد کردند و بیان داشتند که این سؤالات موجب برانگیختگی حس کنجکاوی دانش‌آموزان زیر ۱۲ سال می‌شود و تبعات نامطلوبی به جا می‌گذارد. برخی از خانواده‌های افراد زیر ۱۲ سال نیز مخالفت صریح خود را نسبت به توزیع

پرسش‌نامه در مدرسه ابراز کردند. این روند منجر به دریافت پاسخ، تنها از گروه دختران دبیرستانی شد. خوشبختانه داوطلبان دختر زیر ۱۸ سال علاوه بر همکاری مساعدی که داشتند، بسیار بادقت به سؤالات پاسخ می‌دادند و هرگونه ابهامی را با پژوهشگر مطرح می‌کردند. ناگفته نماند که بسیاری کنجکاو در نحوه پیگیری و پاسخ مناسب سؤالات خود در صورت بروز هرگونه آسیب و آشنایی با مراکز حمایتی شدند؛ اما یکی از عواملی که بسیار حائز اهمیت است، اصرار اکثریت این گروه در کتمان نام و نام خانوادگی خود و همچنین افشا نکردن پاسخ‌هایشان به کادر مدرسه و خانواده‌هایشان بود.

نکته دیگری که نباید از نظر دور داشت، این است که اکثر پاسخ‌دهندگان این گروه، ابراز به داشتن حق خود را تنها یک نمایش صوری می‌دانستند و می‌گفتند، چه بسا گزارش و اعلام بزه‌دیدگی‌های جنسی به کادر مدرسه یا گزارش و شکایت به دستگاه قضایی، باعث پیچیده‌تر شدن موضوع و حتی اخراج آن‌ها از مدرسه شود. بنابراین اعتماد مبنی بر حمایتگری نسبت به دستگاه قضایی و پلیس را، موضوعی به دور از واقعیت قلمداد می‌کردند. همچنین اکثریت با اشاره به بلااستفاده بودن رسانه‌های ملی، اذعان داشتند که این رسانه‌ها و حتی آموزش و پرورش، هیچ درکی از شرایط آن‌ها ندارند و کاملاً با خواسته‌ها و نیازهای آن‌ها در تقابل‌اند؛ همین امر میزان گرایش آن‌ها را به فضای مجازی و استفاده از فضای سایبر افزایش داده است.

پژوهشگرانی که در این مطالعه شرکت کردند
پرتال جامع علوم انسانی

برآمد

کمترین احتمال افشای بزه و پیگیری آن در میان کودکان یا نوجوانانی رخ می‌دهد که دارای شرایط فیزیکی یا روحی خاصی هستند و در دسته آسیب‌پذیرترین گروه هم‌سالان خود قرار می‌گیرند. در این راستا عدالت ترمیمی، مسئولیت‌پذیری و جبران خسارت را بدون تأثیرات تضعیف‌کننده، مجازاتی همچون سالب آزادی مانند حبس یا مستوجب حد، به‌عنوان یک راه‌حل جایگزین برای رسیدگی به جرم و جنایت ارائه می‌دهد. عدالت ترمیمی با محوریت قرار دادن بزه‌دیدگان، آن‌ها را قادر می‌سازد تا تحت نظارت نهاد قضایی با مجرمان ارتباط برقرار کنند.

بسیاری از جوامع و کشورها در دهه‌های اخیر از عدالت ترمیمی بهره برده‌اند؛ بااین‌حال هدف بیشتر برنامه‌های این نظام در جهت بازپروری مجرمانی است که برای اولین بار مرتکب بزه شده‌اند؛ درحالی‌که بزه‌دیدگی افراد زیر ۱۸ سال خارج از محدوده برنامه‌های عدالت ترمیمی رها شده است. با توجه به نرخ بالای بزه‌دیدگی‌های جنسی در دوران کودکی و کاستی‌های نظام‌های عدالت کیفری در تعقیب چنین جرائمی، نیاز به برنامه‌های عدالت ترمیمی با محوریت بزه‌دیدگان زیر ۱۸ سال بیش‌ازپیش احساس می‌شود. حال آنکه گرایش و رویکرد دوگانه سیستم عدالت کیفری و متخصصین امر در اعطای حد مشارکت جوانان در روند دادخواهی در مقابل انتظارات آن‌ها از سیستم قضایی، منجر به ایجاد فاصله و اختلاف میان خواسته‌ها و آنچه دریافت می‌دارند، می‌شود.

ارتباط بین‌فردی برای جلب‌اعتماد قربانی در بیان جزئیات آنچه رخ داده، مستلزم ایجاد حس همدردی با مددکاران اجتماعی فعال، به‌ویژه در حوزه جرائم جنسی است. درنتیجه، جابه‌جایی یا تغییر مددکاران اجتماعی در طول فرایند ترمیمی، مانع از ایجاد پیوند ارتباطی روانی برای آسودگی خیال بزه‌دیده خواهد شد.

درباره سؤال اصلی مبنی بر ارائه چستی یک مدل مطلوب افتراقی، با در نظر

گرفتن سیاست جنایی مشارکتی در حمایت از بزه‌دیدگان زیر ۱۸ سال جرائم جنسی، می‌توان بیان داشت، با بررسی انواع ضررها و خسارت‌های جسمی و روحی این امر، مشخص می‌شود که عدالت ترمیمی در حوزه این جرائم مهم‌ترین جهت‌گیری خود را معطوف به حقوق بزه‌دیده و حمایت بیشتر از جوانان در راستای ترمیم آثار روحی و روانی نموده است؛ زیرا ماحصل این نتایج بیش از خسارت‌های جسمی و مادی، در وجود مجنی علیه تأثیر مخربی بر جای می‌گذارد.

پس از مذاقه و ارزیابی تعاریف موجود از تعرض‌های جنسی و ارائه یک تعریف واحد، انواع خسارت‌ها و آسیب‌های وارده به مجنی علیه جوان در ابعاد مختلف حیثیتی، معنوی، اجتماعی و مادی مورد بررسی قرار گرفت؛ در سه حوزه تقنینی، قضایی و اجرایی، قابلیت‌ها و نواقص عدالت ترمیمی درباره جرائم جنسی مطرح و مشخص شد که نواقص و خلأهای موجود در حوزه قانون‌گذاری به سایر حوزه‌های قضایی و اجرائی سرایت کرده است. در نظام حقوقی ایران در باب رسیدگی به این جرائم در حوزه تقنینی تا حدودی ارزش‌ها و برنامه‌های عدالت ترمیمی در قانون آیین دادرسی کیفری و قانون مجازات اسلامی و قانون حمایت از اطفال و نوجوانان ۱۳۹۹ وارد شده است؛ لکن آموزش ندادن این مبانی به مقامات قضایی و تکیه بر سزادهی صرف نسبت به مرتکب و بی‌توجهی به آثار روحی وارد بر مجنی علیه، تحقق این امر را با چالش‌ها و موانع بسیار جدی مواجه کرده است.

قانون حمایت از اطفال و نوجوانان ۱۳۹۹ با توجه به سعی در یکپارچه‌سازی قوانین افتراقی و حمایتی از بزه‌دیدگان جوان، همچنان خلأها و کاستی‌هایی دارد که لزوم بسترسازی‌های مناسب برای رسیدن به حد اعلی جهت کارآمد بودن آن، بیش‌ازپیش احساس می‌شود؛ زیرا بنا بر آنچه از یافته‌های آماری حاصل شده، تا رسیدن به یک مدل مطلوب برای حمایت‌گری حداکثری به دلیل وجود موانع و نبود پایه‌ها و ارکان اساسی از جمله پلیس ویژه اطفال، کمبود نیروها و مددکاران آموزش‌دیده، فقدان برنامه‌های

مناسب و متناسب با دوران کودکی و نوجوانی در رسانه‌های ملی، برای آشنایی با حقوق خود، ناکارآمدی آموزش و پرورش در جلب اعتماد جوانان به سیستم آموزشی و اطلاع‌رسانی نادرست از جرائمی که جوانان را هدف قرار داده، در کنار بحث بزه‌پوشی در سیستم جنایی ایران، راه زیادی در پیش دارد.

عدالت ترمیمی (RJ) فرایندی است که در آن، بزه‌دیده، مجرم و سایر افراد یا اعضای جامعه متأثر از جرم، به‌طور فعال در حل و فصل مسائل ناشی از جرم با یکدیگر مشارکت می‌کنند و این امر غالباً با کمک یک روش منصفانه و بی‌طرفانه توسط شخص ثالث صورت می‌پذیرد. از منظر عدالت بزه‌دیده‌محور، گناهکار دانستن مرتکب و محکومیت وی در دادگاه به معنای مسئولیت‌پذیری او نیست. از این‌رو، علاوه بر تأکید و تلاش برای احراز تقصیر مرتکب که حاکی از تأیید و تصدیق بزه‌دیده نیز هست، وی مکلف به توضیح رفتار ارتكابی، جبران آسیب‌های ناشی از آن و عذرخواهی واقعی و صادقانه از بزه‌دیده است. از این‌رو، گرچه مجازات یکی از اشکال تقبیح و محکومیت مرتکب است، ولی مطالعات تجربی نشان می‌دهد بزه‌دیدگان نه علاقه‌ای به مجازات مرتکب دارند و نه حاضر به بخشش وی هستند، بلکه بیشتر به دنبال افشاگری و بر ملا کردن حقایق اند.

برای رسیدن به حمایت حداکثری و مطلوب، گسترش و بهره‌گیری از فعالیت‌ها و کمک‌های مددکاران سازمان‌های مردم‌نهادی که در خصوص بزه‌دیدگان جنسی زیر ۱۸ سال فعالیت دارند، حائز اهمیت است. برای نیل به این هدف، در کنار تلاش فعالانه مددکاران آموزش‌دیده، مشارکت فعال جوانان بزه‌دیده، حائز اهمیت است.

اگرچه بیشتر مطالعات حوزه روان‌شناسی شناختی و رشدی، به استراتژی رفتارهای جوانان در شرایط پرتنش و استرس‌زا می‌پردازد؛ اما نباید فراموش کرد که اثرات جرم یا بزه واقع‌شده علیه جوانان، بافتی همانند را حادث می‌شود که خود نقطه آغازین انتخاب و مذاقه بر اجرای برنامه‌های مناسب عدالت ترمیمی است که نشان از اثبات تأثیرگذاری سازمان‌های مردم‌نهادی دارد که داوطلبانه و با کمک نیروهای متخصص

برای حمایت و عدالت خواهی جوانان فعالیت می‌کنند.

نباید از این واقعیت غافل ماند که عدالت ترمیمی در نظام حقوقی ایران، یک نظام نوپاست؛ زیرا همین امر منجر می‌شود که نتواند ضامن حفظ نظم عمومی و امنیت جامعه باشد. چراکه در جرائم جنسی که بزه‌دیدگان آن‌ها جوانان هستند، امکان رجوع به فرایندهای ترمیمی وجود ندارد و با توجه به ناکارایی این نظام در پاسخ‌گویی به نیازهای جامعه و برقراری نظم و امنیت، نیاز به استفاده از کیفر و نظام عدالت کیفری در برخورد با بزهکاران خطرناک حرفه‌ای از طریق سازوکارهای عدالت ترمیمی صرف، امکان‌پذیر نخواهد بود. حتی با توجه به نبود امکان برقراری ملاقات میان بزه‌دیده و بزهکار که از ارکان اصلی برنامه‌های عدالت ترمیمی محسوب می‌شود و با توجه به حساسیت‌های مذهبی و عرفی ایران، امکان استفاده از تسهیلگران، میانجی‌گران و سایر اعضای جامعه محلی در فراهم کردن ملاقات طرفین بزه، برای انتقال نیازها و آسیب‌های مجنی‌علیه وجود نخواهد داشت. لذا ناگزیر رویکرد بهره‌گیری از کیفر و عدالت در معنای سزادهنده و بازدارنده در پیش گرفته شده است؛ زیرا در غیر این صورت، امنیت فردی و عمومی در جامعه به خطر می‌افتد.

در الگوی مطرح‌شده که برگرفته از الگوی گال بر مبنای نیاز و حقوق جوانان است، می‌توان ناهماهنگی میان نظام عدالت کیفری، برنامه‌های حمایتی، نهادهای حمایتگر و خواسته‌های افراد زیر ۱۸ سال را دید؛ همین امر منجر به ایجاد شکاف میان توده جوانان با سیستم آموزشی شده و نظام عدالت را عمیق‌تر کرده و چه بسا جنبه‌های حمایت حداکثری از آن‌ها تنها در حد یک تئوری و نظریه باقی بماند.

۱. فرایندهای حقوقی کیفری فعلی و سیاست‌های پس از محکومیت، نیازهای افراد آسیب‌دیده از آسیب جنسی را برطرف نمی‌کند. معمولاً بازماندگان احساس نمی‌کنند که نیاز آن‌ها در مسیر عدالت خواهی یا درمان نسبت به آسیب جسمانی یا روحی برآورده و به آسیب جنسی رخ داده به صورت بنیانی و ریشه‌ای رسیدگی شود. گویا رویکردهای

فعلی، برای کسانی که مستقیماً تحت تأثیر آسیب جنسی قرار می‌گیرند، نتایج مفیدی ندارند. بزه‌دیدگان این نوع جرائم، خواهان نتایج معنادار و اقداماتی مؤثر در پاسخ‌گویی به کسانی هستند که به آن‌ها آسیب رسانده‌اند. عدالت ترمیمی می‌تواند با استفاده از توانایی بالقوه خود، این اهداف را برآورده کند. اتخاذ یک رویکرد ترمیمی مناسب، مستلزم اجرای برنامه‌های ترمیمی و فرهنگی با حضور تسهیلگران متخصص است تا براساس تعاملات صحیح، آسیب‌های عمیق شناسایی شود.

۲. تأثیرگذاری فرایندهای ترمیمی، مستلزم آن است که تسهیلگران ضمن آگاهی یافتن از واقعه رخ داده، بتوانند به نیازهای روان‌شناختی، عصبی و فیزیکی مراجع بپردازند. تحقق این امر، به گوش دادن فعال و مهارت‌های ارتباطی نیاز دارد. آگاهی از آسیب به معنای همدلی و همدردی با مردم است؛ حتی زمانی که آن‌ها رفتارهایی مغایر با هنجارها و ارزش‌های اخلاقی خود داشته‌اند. فرایندهای ترمیمی، به دلیل ماهیت ذاتی خود، بquamحور هستند. این بدان معناست که ابتدا باید به نیازهای ایمنی فردی که آسیب دیده، توجه شود. بزه‌دیده‌محور بودن، یعنی فرد آسیب‌دیده، هدایت‌کننده مسیر باشد. درنهایت، رویکردهای ترمیمی به آسیب‌های جنسی باید مبتنی بر شواهد باشد. هرچند شواهد برای عدالت ترمیمی نسبت به آسیب‌های جنسی محدود است؛ اما در حال افزایش است و افرادی که برای رسیدگی به آسیب‌های جنسی در عدالت ترمیمی شرکت می‌کنند، از این روند راضی‌اند. این امر، تنها زمانی قابلیت وقوع پیدا خواهد کرد که به جای ذهنیت «ما در مقابل آن‌ها» به عنوان یک جامعه در کنار یکدیگر، درصدد برطرف کردن آسیب‌ها و به حداقل رساندن آن‌ها باشیم.

۳. یکی از تأثیراتی که جرائم جنسی بر کودک یا نوجوان می‌گذارد، احساس گناه و خودسرزنی است. کاهش احساس گناه بزه‌دیده جنسی از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است؛ زیرا باقی ماندن این احساس، تأثیر نامطلوبی بر تمامی ابعاد زندگی قربانیان می‌گذارد. بنابراین، رعایت مصالح عالیه بزه‌دیده جنسی زیر ۱۸ سال، در اجرای

مجازات بزه‌کار نیز باید لحاظ شود؛ زیرا احساس گناه و خودسرزندی، به‌ویژه اگر مرتکب از اعضای خانواده وی باشد و محکوم به اعدام شود، کودک یا نوجوان را دچار ترومای ثانویه می‌کند. از این رو، در راستای پیشگیری از ترومای ثانویه، شاید بتوان براساس ارائه مستندات تیم درمان و با تبدیل مجازات اعدام به حبس، گامی مثبت در زمینه بهبود و درمان روحی و روانی بزه‌دیده برداشت. در کنار حبس تعزیری نیز باید مرتکب را به شرکت در برنامه‌های اصلاحی تربیتی و جلسات گفت‌وگوی عدالت ترمیمی ملزم کرد. در سایر موارد نیز ممکن است نوجوان بزه‌دیده جنسی یا خانواده وی، مداخله ترمیمی را تضييع حق خود و به سود مرتکب تلقی کنند؛ بنابراین باید به آن‌ها اطمینان خاطر داده شود که حکم نهایی براساس توافقات به‌عمل آمده در نشست ترمیمی در دادگاه تعیین خواهد شد؛ رضایت آگاهانه طرفین بر اختیاری بودن پذیرش مداخله ترمیمی، لازمه ورود به این فرایند است.

۴. با افزایش درخواست برای عدالت ترمیمی در موارد آسیب جنسی، به تسهیل‌گرانی احساس نیاز می‌شود که تخصص و تجربه لازم برای رسیدگی به این موارد را داشته باشند. به دلیل وجود گونه‌های مختلف آسیب جنسی، تسهیل‌گران، اعم از نیروهای مستقر در سازمان بهزیستی و سازمان‌های مردم‌نهاد، نیاز به درک دقیقی از پیامدهای ترومای جنسی و همچنین علت‌شناسی آزارهای جنسی دارند. یکی از محدودیت‌ها و نگرانی‌های دیگر مددکاران یا سازمان‌های حمایت‌کننده جوانان، نبود ابزارها و در اختیار نداشتن امکانات در حیطه کاری‌شان است. علاوه بر این، احتمال مناسب نبودن برنامه‌های عدالت ترمیمی برای برخی پرونده‌های آسیب جنسی نیز یکی از نگرانی‌های پیش روست.

۵. هر فردی در جامعه موظف است در برابر شرایط مخاطره‌آمیز افراد زیر ۱۸ سال احساس مسئولیت کند و برای جلوگیری از آسیب‌های احتمالی و قریب‌الوقوعی که نمود آن در مواد ۵، ۶، ۱۷، ۳۰، ۳۳ و ۳۵ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان ۱۳۹۹ در رابطه با

اعلام جرم و قبول اعلام جرم ملاحظه می‌شود، اقدام کند.

۶. مداخله‌کنندگان (مددکاران بهزیستی یا سازمان‌های مردم‌نهاد) باید در عمل خود ماهر و از نظر فرهنگی شایسته و آگاه باشند. این موضوع برای سازمان‌ها و افرادی که در موارد آسیب جنسی بر عدالت ترمیمی تمرکز می‌کنند، صادق است. حتی تمرکز محدود عدالت ترمیمی مستلزم آن است که تسهیلگران و رهبران سازمانی بر ضد نژادپرستی یا تفاوت قائل نشدن بین افراد بزرگسال و زیر ۱۸ سال و همچنین تفاوت با افراد بیگانه متعهد باشند.

۷. برای اجرای برنامه‌های عدالت ترمیمی، نه تنها نیروی ماهر و آگاه کم است، بلکه میزان مشارکت افراد جامعه، خانواده‌های بزه‌دیده و حتی خود بزه‌دیده، به دلیل سیاست بزه‌پوشی حاکم در جامعه و ترس از انگ و برچسب، پایین است و افراد تمایل چندانی به فعالیت در برنامه‌های عدالت ترمیمی ندارند. این مسئله، بیش‌ازپیش نیاز به آموزش و فرهنگ‌سازی را نشان می‌دهد؛ ورود به بحث عدالت ترمیمی درباره بزه‌دیدگان جنسی جوان، موجب شکل‌گیری دو نگرانی خواهد شد: اولین نگرانی شامل استفاده از عدالت ترمیمی در ارتباط با نظام حقوقی کیفری می‌شود و دومی فقدان مهارت و تخصص مناسب برای مداخله‌کنندگان در رسیدگی به موارد آسیب جنسی است.

۸. به نظر می‌رسد وجود فعالیت‌ها و جنبش‌های ناشی از فعالیت، به‌ویژه سازمان‌های مردم‌نهاد نسبت به فراخوانی همکاری در جامعه و تأکید بر مؤثر بودن حضور آن‌ها و بهره‌مندی از نیروهای متخصص و همچنین واگذاری بسیاری از پرونده‌ها به مددکاران اجتماعی که طبق قانون حمایت از اطفال و نوجوانان ۱۳۹۹ بر دوش بهزیستی قرار داده شده، از فرسودگی و تراکم پرونده‌ها می‌کاهد؛ زیرا استفاده از نیروهای داوطلب به علت وجود دغدغه آن‌ها نسبت به این نوع آسیب‌ها، فارغ از بحث معیشتی و انجام وظایف در حیطه کاری، تأثیر بیشتری دارد. وجود وکلا، قضات و حقوق‌دانانی که آشنایی کامل با بحث عدالت ترمیمی دارند نیز در بحث ورود به نظام عدالت کیفری گام

مؤثری است.

۹. شواهد و اسناد موجود حاکی از آن است که عدالت ترمیمی باعث کاهش نرخ آسیب‌ها، کاهش تکرار جرم و موجباتی برای ایجاد همدلی می‌شود. با این حال، با رشد شیوه‌های ترمیمی در این زمینه، ضروری است که پزشکان، سازمان‌ها و محققان به‌طور یکسان متعهد شوند که تأثیر برنامه‌های خود را به‌صورت مؤثر و صادقانه در حوزه‌های مختلف، از جمله رضایت شرکت‌کنندگان، ارزیابی کنند.

۱۰. نرخ بالای بزه‌دیدگی در دوران کودکی و نوجوانی و کاستی‌های نظام‌های عدالت کیفری در شناسایی، تعقیب، محکومیت و پیشگیری از این جرائم و نبود اعتماد در میان جمعیت جوان نسبت به سازمان قضایی و آموزش و پرورش، نشان از ناکارایی برنامه‌های موجود دارد. بنابراین به یک چارچوب سامان‌مند و دقیق برای شناسایی و توسعه برنامه‌های عدالت ترمیمی، متناسب با نیازها و خواسته‌های بزه‌دیدگان نیاز است تا منافع و مصالح عالیه آن‌ها تأمین شود.

حال برای پاسخ به چرایی اهمیت اجرای برنامه‌های عدالت ترمیمی درباره بزه‌دیدگان زیر ۱۸ سال، فارغ از بحث بزه‌دیدگان جنسی بزرگ‌سال، باید به دو مسئله اشاره کرد: اول آنکه رواج بزه‌دیدگی در دوران جوانی در سطح جهانی و در کنار محدودیت‌های سیستم عدالت کیفری به پیگیری و پرداختن به‌صورت همه‌جانبه به جرائم، نیاز به بررسی دقیق هر جایگزینی برای فرایند جنایی را موجب می‌شود. دوم اینکه درک ماهیت و روان‌شناسی رشد در دوران کودکی، تأثیرات طولانی‌مدت بزه‌دیدگی را بر بزرگ‌سالانی که به آن‌ها تبدیل می‌شوند، برجسته می‌کند؛ لذا بنا بر تغییراتی که جوانان بر اثر تجربیات دوران کودکی و نوجوانی خود کسب می‌کنند، یک فرایند عدالت ترمیمی مثبت می‌تواند رویدادی سازنده در روند رشدی بزه‌دیدگان زیر ۱۸ سال محسوب شود.

سوم آنکه از آنجاکه بخش قابل توجهی از بزه‌ها در دوران کودکی و نوجوانی اتفاق افتاده، اطمینان از فرایندهای موفقیت‌آمیز عدالت ترمیمی ممکن است به کاهش

خشونت ناشی از اقدامات انتقام جویانه توسط قربانیان سابق کمک بسزایی کند. در هر صورت تحقق وعده‌ها، چه در سیستم عدالت کیفری، چه در خصوص اجرای یک برنامه عدالت ترمیمی برای افراد زیر ۱۸ سال، همیشه با چالش روبه‌رو خواهد بود؛ زیرا شناسایی نیازها و شناخت آنچه بر ترمیم و جبران خسارات وارده بر آن‌ها تأثیرگذار باشد، همواره یکسان نیست و به نسبت هر گروه و موقعیت خاصی، تشخیص نیاز بزه‌دیده، با مطالعه و ارائه راهکارهایی متناسب با مورد پیش آمده امکان پذیر است.



منابع

منابع فارسی

- باقری، نفیسه. (۱۴۰۲). *مطلوب عدالت‌ترمیمی در رویارویی با بزه‌دیدگی جنسی کودکان و نوجوانان با تأکید بر سیاست جنایی مشارکتی*، رساله دکتری، دانشگاه علوم تحقیقات تهران.
- توجهی، عبدالعلی (۱۳۹۱). *اندیشه حمایت از بزه‌دیدگان و جایگاه آن در گستره جهانی و سیاست جنایی تقنینی ایران*، مندرج در علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از دکتر محمد آشوری)، تهران: سمت، چاپ پنجم.
- جمشیدی، علیرضا. (۱۳۹۵). *سیاست جنایی مشارکتی*. تهران: انتشارات میزان، چاپ اول.
- حاجی خسروی، فرزانه (۱۳۹۴). *جایگاه عدالت‌ترمیمی در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲*، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- حسینی، سید محمد؛ ابراهیمی، محمداحسان. (۱۳۹۸). *سیاست جنایی قضایی در خصوص مال مسروق*. مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، ۴۹(۱)، ۶۵-۸۶. doi: 10.22059/jqlcs.2019.73347
- رایجیان اصلی، مهرداد. (۱۳۹۰). *بزه‌دیده‌شناسی حمایتی*، تهران: انتشارات دادگستر، چاپ دوم.
- رحمانی، محمد (۱۳۹۴). *مبانی سیاست جنایی تراز جمهوری اسلامی ایران*، تهران: مجمع عامی و فرهنگی مجد، چاپ اول.
- زینالی، امیرحمزه. (۱۳۹۳). *سازوکارهای حقوق کیفری ایران در زمینه اعمال حق دادخواهی کودکان بزه‌دیده (حق بر شکایت کودک)*. پژوهشهای حقوق جزا و جرم‌شناسی، ۲(۳)، ۲۹-۵۲. قابل بازیابی از:

عابد گنجی، مهدیه (۱۳۹۰). *بررسی بزه دیدگی جنسی کودکان توسط افراد پدوفیل (کودک دوست) و راه های جلوگیری از حدوث اختلالات رفتاری و بزه کاری کودکان در آینده*، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.

فصیح رامندی، منصوره (۱۳۹۷). *خشونت جنسی نسبت به کودک به مثابه نقض حقوق بشر*. مجله علمی پژوهشی حقوق پزشکی. ۱۲ (۴۶) صص. ۲۰۷-۲۳۴. قابل بازیابی از: <http://ir.ijmedicallaw.com/article/904-1-fa.html>

قنبرنیا، مهري. (۱۳۸۹). *بررسی سیاست جنایی نظام کیفری تقنینی ایران در حمایت از اطفال بزه دیده با محوریت کودک آزاری والدین با نگاهی به حقوق انگلستان*، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد.

کرامتی معز، هادی. (۱۳۹۹). *بزه دیده شناسی کودکان در شبکه های مجازی*. تهران: نشر دادگستر، چاپ اول.

لانرز، کریستین. (۱۳۷۴). *درآمدی به سیاست جنایی*، ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی، تهران: نشر یلدا.

مقتدائی، آرزو. (۱۳۹۵). *پیشگیری از بزه دیدگی جنسی کودکان*، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد.

میرمجیدی، سپیده. (۱۴۰۰). *ویژگی های الگوی مطلوب برنامه های عدالت ترمیمی در پرونده های خشونت جنسی؛ با نگاهی به گفتمان قضایی ایران*. مجله حقوقی دادگستری، ۸۵ (۱۱۴) و ۴۳۳-۴۶۳. doi: 10.22106/ijl.2021.137409.3709

نجفی ابرند آبادی، علی حسین (۱۳۷۰). *تقریرات درس تاریخ تحولات کیفری (سیاست جنایی)*، تهیه و تنظیم: ناصر قاسمی دوره کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی.

نجفی ابرند آبادی، علی حسین، (۱۳۹۶). *سیاست جنایی دایره المعارف علوم جنایی اقتصادی*، به کوشش: امیرحسن نیازپور، تهران، نشر میزان.

مهمدی گلشن؛ «نقش سازمان های مردم نهاد در دادرسی کیفری»، پایان نامه کارشناسی ارشد، حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشگاه کاشان، ۱۳۹۲.

هدایت، هدیه و هدایت، همدم (۱۳۹۷). «جایگاه دادرسی و وظایف خاص دادستان در حمایت از کودکان بزه‌دیده و در معرض خطر با توجه به قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲»، اولین همایش ملی جهانی سازی حقوق کودکان و نوجوانان از دیدگاه حقوقی و روانشناسی، موسسه آموزش عالی حکیم نظامی قوچان، شماره ۱، بازیابی از طریق:

<https://civilica.com/doc/۷۷۱۰۹۴/>

منابع انگلیسی

Angel, C. M. (2005). University of Pennsylvania ;(see also Jeff Latimer et al., The effectiveness of Restorative Justice Practices :A Meta . ***Crime Victims Meet Their Offenders :Testing the Impact of Restorative Justice Conferences on Victim's Post-Traumatic Stress Symptoms*, 85.**

Assembly, U. N. (2005a). ***Report of the Independent Expert for the United Nations Study on Violence Against Children*. 26.**

Bessell, S. (2011). ***Participation in Decision-Making in Out-of-Home Care in Australia: What do Young People Say?*33 CHILD. & YOUTH SERVICES REV.**

***Bloomsbury collections - restorative justice and criminal justice - competing or reconcilable paradigms?* (n.d.).**

Bloomsburycollections.com. Retrieved December 25, 2022, from <https://www.bloomsburycollections.com/book/restorative-justice-and-criminal-justice-competing-or-reconcilable-paradigms/ch-۱۲restorative-justice-in-canada-from-sentencing-circles-to-sentencing-principles>

Bolitho, J., & Freeman, K. (2016). ***The use and effectiveness of restorative justice in criminal justice systems following Child Sexual Abuse or comparable harms*. <https://papers.ssrn.com/abstract=2877603>**

Braithwaite, J., & Strang, H. (2001). Introduction: restorative justice and civil society. In H. Strang & J. Braithwaite (Eds.), *Restorative justice and civil society* (pp. 1–13). Cambridge University Press.

Braithwaite, John. (2002). Setting standards for restorative justice. 42 BRIT. *J. CRIMINOLOGY*, 563, 569–570.

Burton, M., Evans, R., & Sanders, A. (2007). Vulnerable and intimidated witnesses and the adversarial process in England and Wales. *The International Journal of Evidence & Proof*, 11(1), 1–23. <https://doi.org/10.1350/ijep.2006.11.1.1>

Child Victims. (n.d.). Oup.com. Retrieved December 25, 2022, from <https://global.oup.com/academic/product/child-victims-9780198257004?cc=us&lang=en&>

Circle sentencing: Part of the restorative justice continuum. (2014). In *Restorative Justice for Juveniles : Conferencing, Mediation and Circles*. Hart Publishing.

Clair Garbett, “And Focused Upon Victims’ Needs”: Towards an Assessment of the Victim-Oriented Principles of Restorative Justice Practices. (1993). In *Child Witnesses: Understanding and Improving Testimony*. Guilford Publications.

Cossar, J. (2014). You’ve Got to Trust Her and She’s Got to Trust You’: Children’s Views on Participation in the Child Protection System. *CHILD. & FAM. SOC. WORK*, 103.

Crawford, A., & Burden, T. (2005). *Integrating victims in restorative youth justice*. Policy Press.

Crow & Peter, G., & Marsh, F. (1998). Lisa Merkel-Holguin, Sharing Power with the People: Family Group Conferencing as a Democratic Experiment. 31 *J. SOC. & SOC. WELFARE*, 155.

Duckworth, C. (2013). Intergenerational Justice. In *Encyclopedia of Corporate Social Responsibility* (pp. 1484–1492). Springer Berlin Heidelberg.

E/2002/INF/2/add.2 Economic and Social Council. (2002). [Www.un.org. https://www.un.org/esa/ffd/wp-content/uploads/2002/07/E2002INF2Add2.pdf](https://www.un.org/esa/ffd/wp-content/uploads/2002/07/E2002INF2Add2.pdf)

Family Group Conferences (FGCs): An FGC is a process led by fam-

ily members to plan and make decisions for a child who is at risk. Children/ young people and vulnerable adults are normally involved in their own FGC, although often with support from an advocate. It is a voluntary process and families cannot be forced to have an FGC. (n.d.). ***In Family Group Conferences (FGCs) / Your Family Matters.***

Finkelhor, D. (2014). ***Childhood victimization: Violence, crime, and abuse in the lives of young people*** (Reprint edition). Oxford University Press.

Furman & Duane, W. (1985). ***Children's Perceptions of the Personal Relationships in Their Social Networks***, 21 DEVELOPMENTAL PSYCHOL.

Gal, T. (2014). Crime victimization and child well-being. In ***Handbook of Child Well-Being*** (pp. 2617–2652). Springer Netherlands.

Gal, T. (2021). Setting standards for child-inclusive restorative justice. ***Family Court Review***, 59(1), 144–160. <https://doi.org/10.1111/fcre.12546>

Gal, T., & Eds, & B. F. D. (Eds.). (2015). ***Id. at 59; Eran Uziely, Pupils' Participation in Placement Committees in Israel Implementing the Principle of Child Participation.***

Ganna, G. (2015). Children's and Young People's Participation Within Child Welfare and Child Protection Services: A State-of-the-Art Review. ***20 CHILD & FAM. SOC. WORK, 129.***

Hh Peter Rook, Q. C. (n.d.). ***pdf (justice.org.uk). JUSTICE report on Prosecuting Sexual Offences / ICCA.***

Hicks, A. J., & Lawrence, J. A. (1993). Children's criteria for procedural justice: Developing a Young People's Procedural Justice Scale. ***Social Justice Research***, 6(2), 163–182. <https://doi.org/10.1007/bf01048475>

Inclusion and Participation in Special Education Processes in Ontario, Canada. (2015a). In ***Download: Understanding Child Abuse and Neglect /The National Academies Press*** (pp. 37–58). Oxford University Press.

Inclusion and Participation in Special Education Processes in Ontario,

Canada. (2015b). In *International Perspectives and Empirical Findings on Child Participation* (pp. ۵۸-۳۷). Oxford University Press.

Koss, M. P. (2013). The RESTORE Program of Restorative Justice for Sex Crimes: Vision, Process, and Outcomes, 29 J. *J. INTERPERSONAL VIOLENCE*.

Larsen, J. J. (2014). Restorative Justice in the Australian Criminal Justice System, 127 RES. *127 RES. & PUB. POL'Y*, 6.

Lawrence, J. A. (2003). Safeguarding Fairness for Children in Interactions with Adults in Authority: Computer- Based Investigations of the Judgments of Secondary School Students. *Criminology Research Council*.

Lev-Wiesel, R., & First, M. (2018). Willingness to disclose child maltreatment: CSA vs other forms of child abuse in relation to gender. *Child Abuse & Neglect*, 79, 183-191. <https://doi.org/10.1016/j.chiabu.2018.02.010>

Mark, S., & Umbreit ; John, S. (1989). Crime Victims Seeking Fairness, Not Revenge: Toward Restorative Justice, in 53 FED. *PROB*, 52, 52-57.

Mark, S., & Umbreit, R. (2006). *Arab Offenders Meet Jewish Victim: Restorative Family Dialogue in Israel*. Q, 24.

Mortimer &, J. T., & Call, K. T. (2001). Joan Pennell, Family Group Conferencing in Child Welfare: Responsive and Regulatory Interfaces. *ADOLESCENCE: A STUDY OF ADJUSTMENT IN CONTEXT*.

Oranga tamariki act 1989 no 24 (as at 01 September 2022), public act contents – New Zealand legislation. (2022, September 16). New Zealand Parliamentary Counsel Office. <https://www.legislation.govt.nz/act/public/1989/0024/latest/DLM147088.html>

Pali, B., & Randazzo, S. (2018). Practical Guide: Implementing Restorative Justice with Child Victims. In *Practical Guide: Implementing Restorative Justice with Child Victims* (pp. 1-120).

Panel on Research on Child Abuse and Neglect, Commission on Behavioral and Social Sciences and Education, Division of Behavioral and Social Sciences and Education, National Research Council, & National Academy of Sciences. (1993). *Understanding child abuse and neglect*. National Academies Press.

Paré, M. (2015). Inclusion and participation in special education pro-

cesses in Ontario, Canada. In *International Perspectives and Empirical Findings on Child Participation* (pp. 37–58). Oxford University Press.

Pavelka, S. (2016). finding that most US states have incorporated restorative justice legislation that include general provisions and intent, practices, funding, and evaluation). *Restorative Justice in the States: An Analysis of Statutory Legislation and Policy*, 13.

Pennell, J. (2004). Family Group Conferencing in Child Welfare: Responsive and Regulatory Interfaces, 31 *J. J. SOC. & SOC. WELFARE*, 117.

Project dove. (n.d.). Projectdoveor.org. Retrieved December 25, 2022, from <https://projectdoveor.org/>

Redirect notice. (n.d.). Google.com. Retrieved December 25, 2022, from <https://www.google.com/url?sa=i&rct=j&q=&esrc=s&source=web&cd=&ved=0CAQQw7AJahcKEwjA55Wmju37AhUAAAAAHQAAAAAQAw&url=>

Resistance and Adaptation to Criminal Identity: Using Secondary Analysis to Evaluate Classic Studies of Crime and Deviance. (n.d.). *Sociology-the Journal of The British Sociological*.

Resistance and Adaptation to Criminal Identity: Using Secondary Analysis to Evaluate Classic Studies of Crime and Deviance. Sociology-the Journal of The British Sociological Association. Fielding_2008_Resistance_and_adaptation_to_criminal_identity-with-cover-page-v2. (n.d.).

Restorative justice in Canada: From sentencing circles to sentencing principles. (2014). In *Restorative Justice and Criminal Justice : Competing or Reconcilable Paradigms?* Hart Publishing.

Robinson, L. (2022). *Youth justice services: Good practice guide*. Why-me.org. <https://why-me.org/wp-content/uploads/2022/12/Youth-Justice-Good-Practice-Guide-4.pdf>

See Also, L., & Stutzman Amstutz, T. (2009). While others in the field use terminology such as “victim-offender conferencing” or dialogue, the authors have chosen to use “one-one-one conferencing” or dialogue. When referencing the work of others, the authors use language consistent with their work.

When the authors discuss their work. In E. Zinsstag & Marie (Eds.), **SEXUAL VIOLENCE AND RESTORATIVE JUSTICE: LEGAL, SOCIAL AND THERAPEUTIC DIMENSIONS**.

Shachaf-Friedman & Uri, E. (2008). Family-Group Conferencing in Israel: The Voices of Victims Following Restorative Justice Proceedings. **TRENDS AND ISSUES IN VICTIMOLOGY**, 57.

Shapland, J., Atkinson, A., Atkinson, H., Colledge, E., Dignan, J., Howes, M., Johnstone, J., Robinson, G., & Sorsby, A. (2006). Situating restorative justice within criminal justice. **Theoretical Criminology**, 10(4), 505–532. <https://doi.org/10.1177/1362480606068876>

Sherman, L. W. (2015). Twelve Experiments in Restorative Justice: The Jerry Lee Program of Randomized Trials of Restorative Justice Conferences, 11(4). **J. EXPERIMENTAL CRIMINOLOGY**, 11.

Sherman, L. W., Strang, H., Barnes, G., Woods, D. J., Bennett, S., Inkpen, N., Newbury-Birch, D., Rossner, M., Angel, C., Mearns, M., & Slothower, M. (2015). Twelve experiments in restorative justice: the Jerry Lee program of randomized trials of restorative justice conferences. **Journal of Experimental Criminology**, 11(4), 501–540. <https://doi.org/10.1007/s11292-015-9247-6>

Strang, Heather. (2004). **Repair or revenge: Victims and restorative justice**. Oxford University Press.

Strang, Heather, Sherman, L. W., Mayo-Wilson, E., Woods, D., & Ariel, B. (2013). Restorative justice conferencing (RJC) using face-to-face meetings of offenders and victims: Effects on offender recidivism and victim satisfaction. A systematic review. **Campbell Systematic Reviews**, 9(1), 1–59. <https://doi.org/10.4073/csr.2013.12>

Stutzman Amstutz, L., & Book, T. (2009). While others in the field use terminology such as “victim-offender conferencing” or dialogue, the authors have chosen to use “one-one-one conferencing” or dialogue. When referencing the work of others, the authors use language consistent with their work. When the authors discuss their work. In E. Zinsstag & Marie (Eds.), **SEXUAL VIOLENCE AND RESTORATIVE JUSTICE: LEGAL, SOCIAL AND THERAPEUTIC DIMENSIONS**.

***Summary for enhancing domestic violence protections for LGBT people in the Philippines and Sri Lanka.* (2022).**

Tali Gal & Shomron Moyal, Juvenile Victims in Restorative Justice: Findings from the Reintegrative Shaming Experiments. (2011). ***J. OF CRIMINOLOGY*, 1014.**

Tripathy, J. P. (2013). Secondary data analysis: Ethical issues and challenges. *Iranian Journal of Public Health*, 42(12), 1478–1479.

Tucker, C. J. (2001). Conditions of Sibling Support in Adolescence, 15 ***J. J. FAM. PSYCHOL*, 254.**

Vanfraechem, I. (2015a). ***Victims and Restorative Justice*** (I. Aertsen, I. Vanfraechem, & D. Bolivar Fernandez, Eds.; 1st Edition). Routledge. <https://doi.org/10.4324/9780203070826>

Wong, J. S. (2016). Can at-risk Youth be Diverted from Crime? A Meta-analysis of Restorative Diversion Programs, 43(10) ***CRIM. CRIM. JUST. & BEHAV*, 43(10).**

(N.d.-a). Org.uk. Retrieved December 25, 2022, from <https://restorativejustice.org.uk/sites/default/files/resources/files/Evaluation%20of%20the%20Northern%20Ireland%20Youth%20Conference%20Service.pdf>

(N.d.-b). Euforumrj.org. Retrieved December 25, 2022, from https://www.euforumrj.org/sites/default/files/2019-11/report_victimsandrij-2.pdf

(N.d.-c). Govt.Nz. Retrieved December 25, 2022, from <http://www.legislation.govt.nz/act/public/1989/0024/latest/DLM147088>.

(N.d.-d). Sustainabledevelopment.un.org. Retrieved December 25, 2022, from https://sustainabledevelopment.un.org/content/documents/2599Promoting_restorative_justice.pdf

(N.d.-e). Ssrn.com. Retrieved December 28, 2022, from <https://papers.ssrn.com/abstract=2877603>.